



اطلاعیه "عقوبین الملل"

در مورد خطرا عدم

زندانیان سیاسی زن

دفاع از سلمان رشدی

برای آزادی، علیه تروریسم!

سازمان عقوبین الملل طی اطلاعیه‌ای مویزه ۱۰ فوریه ۱۹۸۹ اعلام نمود که بر اساس گزارشات به دست آورده، تعدادی از زنان زندانی سیاسی، در زندان اوین تهران با خطر مرگ مواجه هستند، و این در حالی است که رژیم جمهوری اسلامی اعلام "عفو عمومی" کرده است. زنانی که با خطر مرگ مواجه هستند از هواداران گروه‌های چپ می باشند سازمان عقوبین الملل ضمن ارائه نام ۸ تن از زندانیان که با خطرا عدم مواجه هستند، تاکید نموده است که زنان زندانی در زمره "زندانیانی هستند که قبلا محکوم به حبس شده اند و چندین سال است که در زندان برمی گردند."

صدور حکم قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب "آیه‌های شیطان"، همسروی و ناشیرین آن از جانب خمینی، اگرچه به دلایل استفاده سیاسی - پس از شکست در جبهه‌های جنگ بین ایران و عراق و نوشیدن جام زهر پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل و بهین بست کشیده شدن همه طرح‌های تاکنونی برای بازسازی - و صدور انقلاب اسلامی از طریق فتواها و نامه‌ها برای حفظ روحیه، دلیل شده حزب الله، ستونهای ضربتی رژیم، انجام گرفته است، اما به خشن ترین و وحشیانه ترین شکل، آشکارا با عدم جنایتکارانه و ضد بشری تروریسم، آدمکشی دولتی و رسمی رژیم حاکم بر سرنوشته مردم را در انظار جهان نیا نه نمایش در آورده است. طی دو هفته گذشته جامعه بشری لرزش ناشی از سرمای گزیننده سیاست تروریست رجعی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را که مدت ۱۰ سال بر جان و مال و روح مردان، زنان و کودکان مظلوم ایرانی و زید و دنیاشی از درد، تالم، ویرانی و فاجعه برجای گذاشته، تاز و زیروست خود احساس کرده است و می تواند بفهمد که بر خلق ۵۰ میلیونی چه میگذرد! در صفحه ۲

در صفحه ۲

نکاتی پیرامون گزارش دهی

خمینی و "آیه‌های شیطان"

عکس العمل شیطان خمینی جلاد در برابر انشای کتاب "آیه‌های شیطان"، طی هفته‌های گذشته یکی از جنجالی ترین رویدادهای جهان بود. شیطان جماران با برپائی حساب شده ایسن جنجال با ردیگر با برق خنجر خفا و تروریستش در سطحی گسترده و آشکارا، سیمای واقعی خود را به عنوان عجوزه و عفریته‌ای خونخوار نمایش گذاشت. شیطان جماران، اما مزه زورده و فاسدی که دستش تا مرفق به خون بهترین فرزندان مردم آغشته است، با برپا کردن هیاهوی حسابگرانه میخواست هدیه اصطلاح "حیثیت" از دست رفته اش را بدست آورد و دوباره خود را در عرصه جهانی و داخلی مطرح سازد و بر کثافت کاریها و جنایاتش سرپوش گذارد! اما این بار نیز جز نقرت جهان نیا و مردم آگاه میهنمندان محصول دیگری بدست نیاورد.

کتاب "آیه‌های شیطان" در واقع پنجمین اثر "سلمان رشدی" نویسنده انگلیسی هندی الاصل است. پیش از انشای این کتاب، کتابهای "گرموس" "بچه‌های نیمه شب"، "شرم" و "لبخند پلنگ" از این نویسنده، که به رثا لیسیم بورخس و مازکزگراییش و نزدیکی دارد، منتشر شده است. "بچه‌های نیمه شب" که با دیدنی نقادانه به تار و پود معا مرهومی پردازد و نیز "شرم" که به اوضاع پاکستان پرداخته است، به زبان فارسی برگردانده شده و در سطح جهانی نیز در صفحه ۲

زندگی و مبارزات پناهندگان

● تلاش جدید دولت ترکیه در استرداد دیک گروه پناهندگان به ایران شکست خورد.

● استرداد دبیر سابق

و هولناک پناهندگان ایرانی

در صفحه ۹

شواردن دزه

در تهران چه میکنند؟

سئون آزاد

در صفحه ۱۰

کمونیسست ها و

جنشیش ۲۱ آذر آذربایجان

در صفحه ۳

یک روستا و ۷۵ اعدا می

افغانستان

پس از خروج

نیروهای شوروی

آینده رژیم فعلی افغانستان و آینده ایسن کشور بطور کلی یکی از مهمترین بحثهای سیاسی جاری در مطبوعات بین المللی میباشد. این بحثها که بر مبنای دقیقترین تحلیلها تنها این یا آن امکان را محتمل میدانند بسته به گرایش سیاسی تحلیلگر - گران طبعاً این یا آن جنبه از اطلاعات مربوط به اوضاع سیاسی از روند تحولات را بنحوی به خواننده ارائه میدهند که وی را به پذیرش نتایج دلخواه خود سوق دهند. اکنون که نیروهای شوروی پس از بیست و نه سال جنگ خونین از افغانستان خارج میشوند، با راهای سقوط سریع رژیم دکتر محمد نجیب الله و حزب دموکراتیک خلق افغانستان از طریق شروع در صفحه ۱۳

نامه‌ای از ایران

در صفحه ۵

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی پناهنده!

دفاع از سلمان رشدی

برای آزادی، علیه تروریسم!

خمینی و
"آیه‌های شیطانی"

علاوه بر ترجمه به زبان‌های مختلف، جوایز متعددی نیز دریافت کرده است. "لیخن‌دپلینگ" نیز گزارش دیده‌اند و نویسنده از نیکاراگوئه است.

کتاب "آیه‌های شیطانی"، که شیطان و جلاجل جباران را ظاهر برآشفته کرده است، در واقع به تعبیر خود سلمان رشدی، اثری رویاگونه است که نویسنده تلاش کرده است برداشتن از "پدیده وحشی و پیدایش یکی از ادیان بزرگ جهان" را بیان کند. در این کتاب که به مسائل مهاجرین آسیای شرقی در انگلیس پرداخته می‌شود، در فصل از کتاب به گونه‌ای ای رویاگونه و سمبلیک به پیغمبری به نام "ما هوند" و فرشته‌ای بنا مجبرئیل و نیز مناسبت خصوصی زندگی خصوصی آنها پرداخته می‌شود، مناسبتی که در قالب رویاهای یک هنرپیش‌ه‌ی هندی مهاجر به انگلستان بنا مجبرئیل جلوه‌گر می‌شود.



این کتاب ۵۴۷ صفحه‌ای، که برخی از منتقدان بر آن تندگی "به ایران اشاره دارد" و "نوعی واکنش در برابر انقلاب اسلامی ست" را موسسه انتشاراتی پنگوئن منتشر ساخته است. با انتشار این کتاب، پیش از آنکه شیطان جباران به صرافت صدور فتوای قتل سلمان رشدی بیا فتد، بسیاری از شخصیتها و محافل اسلامی جهان، بویژه اهل تسنن، دست به اعتراض زدند و خواستار جلوگیری از انتشار این کتاب شدند. اما خمینی جلاجل، در راستای بهره‌برداری از این رویداد، با تاکید، خواستار قتل رشدی شد و اعلام نمود که این عمل "با هروسيله‌ای بر هر فرد مسلمان واجب است!" در شرایطی که مردم میهنمان در فقر و فلاکت به سر می‌برند و میلیون‌ها دلار برای

کاملاً طبیعی است که در مقابل طوفانی از انزجار و نفرت توده‌ای در سطح بین‌المللی علیه رژیم جمهوری اسلامی دولتها و سرمایه‌داری غربی به عکس العمل و ادا رشوند، آنها مجبورند در حفظ سوپاپهای اطمینان نظامی و بورژوازی آزادی عقیده! و سلمان رشدی دفاع کنند. خیلی از دولتمردان جمهوری اسلامی، از جمله سفیر رژیم در واتیکان، حجت الاسلام غفاری، سپاه پاسداران، هسته‌ها و انجمن‌های اسلامی در سرتاسر اروپا آمدگی خود را برای اجرای حکم خمینی اعلام کرده‌اند. رژیم اعلام کرده است به هر خا رچی که حکم را اجرا کند یک میلیون دلار خواهد پرداخت. بسیاری از ناشرین اروپایی از ترس جان و مال خود ترجمه و انتشار کتاب آیه‌های شیطانی سر باز زده‌اند. این تاوانی است که بشریت متمدن، بویژه مردم اروپا در مقابل سکوت و سازش دولتها و خود در مقابل جمهوری اسلامی می‌پردازند. دولتها و سرمایه‌داری در غرب وقتی که بدلیل حفظ سودهای سرشار ناشی از معاملات خود با رژیم اسلامی ایران به کثیف‌ترین بده‌بستانها بر سرگروگانها در لبنان پرداخته و در مقابل نسل‌کشی اخیر در دوسه ماه گذشته از زندان‌های سیاسی ایران سکوت کرده و به قریبادهای سازمانهای مترقی و اپوزیسیون ایرانی و نهادهای حقوق بشر کمترین اعتنائی نکردند، عملاً همان‌کس که شهر و

رفقا! نیروهای مترقی و انقلابی!

مهاجرین و پناهندگان ایرانی!

حالا که دول اروپائی تحت فشار افکار عمومی و ابتما دتجمل‌نا پذیر تروریسم دولتی جمهوری اسلامی و ادا ربه‌مانورهای از قبیل تحریم فرهنگی، و... در مقابل رژیم شده‌اند، وظایف مهمی در برابر ما قرار گرفته است. باید از شرایط مساعدی که در گذشته بود و در این دتوده‌ای آنچه را که بر کارگران و زحمتکشان، زنان و کودکان، روشنفکران و جوانان می‌گذرد، بویژه آنچه را که بر هزاران زندانی سیاسی قهرمان و قتل‌عام شده، کشورمان گذشته است به مردم کشورها می‌که ما کن هستیم توضیح داده و تشریح نمائیم، از آنها بخوا هم که دولتها و خود را تحت فشار بگذارند تا بطرف منافع سرمایه‌داران، غارتگران خلقها و تولیدکنندگان سلاحهای شیمیائی و مرگ‌زا و جدا نهادهای بشری و انساندوستانه آنها را مورد ملامت قرار ندهد و به‌مانورهای تحریم فرهنگی و از این قبیل تحریم‌های غیر موثر بسنده نکنند. رژیم اسلامی ایران هم‌اکنون در عمیق‌ترین بحران سیاسی و اقتصادی خود بسر می‌برد. رژیم برای بازسازی ماشین سرکوب و جنایت‌خوار خود احتیاج به بلاتردید به‌مانورها و اعتبارهای خارجی و روابط گسترده سیاسی دارد. تنها با یک تحریم همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میتوان به توحش‌جاری و گسترده رژیم اسلامی ایران خاتمه داد.

باید با ایجاد کمیته‌های اقدام با شرکت همه آزادیخواهان، دمکراتها، نیروهای مترقی و انقلابی، بشردوستان و شخصیت‌های ایرانی و خارجی حول حمایت از سلمان رشدی به دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی در ایران برخیزیم. تحریم اقتصادی رژیم کم‌برایان شعار محوری است که خواسته‌های دیگر از جمله تحریم سیاسی، فرهنگی، دفاع از جان زندان‌های سیاسی و دفاع از حقوق پناهندگی در چارچوب آن معنی یافته و میتواند متحقق گردد. هم‌اکنون برخی از گروه‌بندی‌های پارلمانی احزاب مترقی و اپوزیسیون در کشورهای اروپائی تحریم اقتصادی ایران را مورد طرح و بررسی قرار داده‌اند. باید با ایجاد یک کارزار وسیع توده‌ای جهانی در تحقق واقعی این اقدامات تحریمی بکوشیم. در این مسیر کمیته‌های اقدام با شرکت وسیع‌ترین نیروها تا اتحاد عملهای موردی دمکراتیک و سازمانی میتوانند مورد استفاده قرار گیرند.

سرتگون با جمهوری اسلامی، برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته‌خارج از کشور

یک روستا و ۷۵ اعدا می

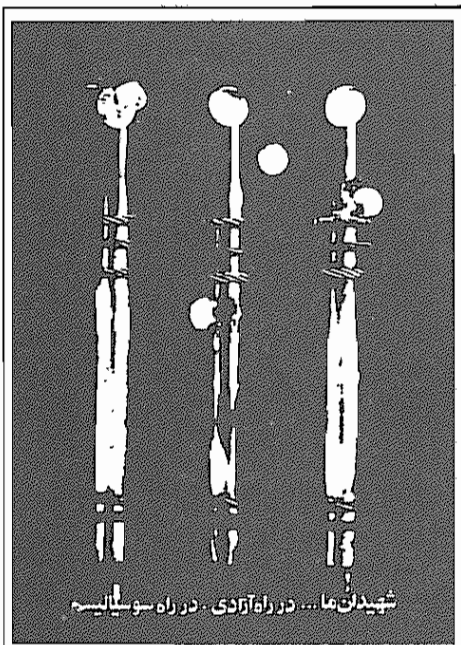
آبکنار روستا می است دره ۴ کیلومتری بندر انزلی با ۵ هزار جمعیت، سابقه مبارزاتی این روستا مشهور است، اهالی این روستا خیلی زود به انقلاب پیوستند و از اولین روستا ثباتی بودند که در نظرات بر علیه شاه شرکت نمودند، در عین حال همچنین از اولین روستا ثباتی بودند که به شکست انقلاب ایمن آوردند و به مخالفت با رژیم خمینی برخاستند، طبیعی است که جواب مخالفت در رژیم فقها چیزی جز طعنه با دشمنی نتواند باشد، در نتیجه، یورش چکمه پوشان رژیم به این روستا از فدای انقلاب آغاز شد، صدها تن از دهقانان و فرزندان نشان به اسارت گرفته شدند و تا کنون بیش از ۷۵ تن از افراد این روستا اعدام شده اند، در اعدا میهای اخیر تا کنون ۱۵ تن از مبارزین آبکنار اعدام شده اند هنوز تعداد زیادی از جوانان آبکنار در زندانند و بسیاری از خانواده ها از سرنوشت فرزندان خویش بی اطلاع هستند، مبارزه در این روستا بر علیه رژیم خمینی همچنان در جریان است، اهالی این روستا در یک چیز نقطه مشترک دارند و آن اینکه همگی خانواده شهدا هستند.

منتشر شده است:



شهیدان ما ... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

اکبر شهیدان
سارمان کارگران افغانی ایران (راه کارگر)



شهیدان ما ... در راه آزادی، در راه سوسیالیسم

با پیام کارگر همکاری کنید!

شواردن دانه
در تهران چه میکند؟

ادوار شواردن دانه وزیر خا رج شوروی در ادا مه سفر خود به کشورهای خاور میانه، از عراق و ایران نیز دیدار نمود، در تهران وی با همه مقامات عالی رتبه ایرانی از جمله خمینی ملاقات کرد، و پیامی نیز از جانب گوربا چف به وی تسلیم کرد، بر طبق ارزیابی مفسرین غربی، با توجه به کندی در بهبود روابط ایران و غرب که با مجرای مدور فتوای قتل سلیمان رشدی نویسنده کتاب "آیه های شیطان" وارد مرحله تازه ای شد، شوروی میخواهد که روابط بسط خود را با ایران بهبود کیفی ببخشد.

این دیدار در روزهای انجام میشود که وجدان بشریت از تصمیمات ارتجاعی خمینی برای محدود کردن آزادی در تانما می جهان با شیوه های تروریستی در عذاب بوده و افکار عمومی مترقی بصورتی گسترده رژیم مرتجع و آزادی کثر ایران را محکوم میکند، در شرایطی این دیدار صورت میگیرد که جها نین بعد از فتوای قتل سلیمان رشدی، در میسی - یا بند که بیزندان سیاسی قهرمان ایران که قتل عام شدند و بر آزا دیخواهان ایران که ده سال است در منگنه، سرکوب و اختناق بسر برده اند، چه گذشته است، در چنین وضعیتی کارگران و مردم آزا دیخواه ایران نمی پذیرند که وزیر خا رج یک دولت سوسیالیستی از جلا دما را ن دیدن کند، در حالیکه تلاش وسیعی برای منزوی کردن حکومت اسلامی در کشورهای مختلف جهان ادا مه دارد، با این حرکات فدا انقلاب خا کم برای ایران را یاری دهد، ما ضمن محکوم کردن این سفر و دیدار و از دولت اتحاد شوروی میخواهیم که بوظا ثفا نترنا سیونا لیستی خود با بینه بوده و همراه و پیشا پیش همه مردم مترقی جهان رژیم تبهکار اسلامی را تحت فشار گذارد.

ایران و ترکیه:

توافق بر سر مخالفین

طی سفری که محتشمی وزیر کشور به ترکیه داشت، در کناره بحث بر سر مسائل گوناگون، بین این دو کشور دوست و همسایه، حل مشکل مخالفین یکی از بندهای مهم مذاکرات را تشکیل میدهد، محتشمی در دیدار با مسئولین رژیم ترکیه "خواستار اجرای قرار داد استرداد مجرمین بین دو کشور شد"، محتشمی در تعریف مجرمین صحبت از "فدا انقلاب" های ایرانی داشت که در ترکیه آوارها اند، وزیر کشور ترکیه ضمن توافق با همتای ایرانی خویش "قول مسا عددا دکه در همه زمینه های مطرح شده اقدامات موثر معمول دارد"، (کیهان ۱۲ بهمن).

لازم به ذکر است که دولت ترکیه قبلا نیز از این اقدامات موثر معمول داشته و چندین بار آوارگان ایرانی را به دولت ایران تحویل داده بود، مطبوعات ایران قبلا گزارش داده بودند که در رژیم در ارتباط با مسئله کردها نیز به بحث خواهد پرداخت ولی مطبوعات ایران تا کنون در این مورد چیزی انتشار نداده اند.

تحقق این اقدامات و حشانه و غیر انسانی جا بزه تعین کرد، خمینی، حتی گفته های خامنه ای در نماز جمعه را که "اگر رشدی در برابر مسلمانان جهنم و امامت مغفرت کند، بخشیده میشود" را بی اعتبار خواند و بر واجب القتل بودن رشدی تاکید نمود.

سلیمان رشدی که مورد حمایت کشورهای مختلف غربی و همچنین مترقی قرار گرفته است، ۴۱ سال دارد، او در خانواده ای مسلمان در شهر میسبی متولد شده است، در دانشگاه کمبریج رشته تاریخ را گذرانده و سپس کار ادبی و هنری اش را با روزنامه نگاری و تئاتر شروع کرده است، در حال حاضر نیز عضو موسسه تولید فیلم بریتانیا، عضو شوروی موسسه هنرهای معاصر و عضو انجمن سلطنتی ادبیات است، "آیه های شیطان" به چند زبان ترجمه شده و در حال حاضر فروشی سرسام آور دارد، تنها در ایالات متحده آمریکا یک هفته ۱۵ هزار جلد آن بفروش رفته است، در آمریکا نیز با استقبال عمومی مواجه شده و "شب رمان خوانی" که آیه های شیطان در آن قرائت میشود برگزار گردیده است، روزنامه های یوگسلاوی نیز دست به ترجمه و انتشار ربا ورقی گونگی این کتاب زده اند، روزنامه TAZ (منتشره در برلین غربی) نیز دست به انتشار بخش هایی از این کتاب زد که با فروشی غیر قابل تصور موا جه روزنامه به سرعت نایاب شد.

جمهوری اسلامی

مخالفین خود در خارج کشور را نیز

ترور میکند

هوادران چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها شبخشی خلقهای ایران) اروپا و سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا هوادار چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها شبخشی خلقهای ایران) طی اطلاعیه ای اعلام کرده اند که یکی از رفقایشان بعد از ظهر روز سه شنبه ۸۹/۲/۲۷ هنگام خروج از اداره مخابرات شهر کپنهاگ طی برنامهای که از پیش توسط ارگانهای جاسوسی و تروریستی رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در دانمارک طرح ریزی شده بود، مورد حمله مزدوران حزب الهی قرار گرفته و به ضرب گلوله و زخم وارده به بیمارستان میگردد، پلیس شهر کپنهاگ به بهانه عدم توانایی محافظت از زخمی از خود سلب مسئولیت نموده است، این کار حدودا همزمان با سفر "گرچی" مزدور تروریست شناخته شده ای که چندی پیش از فرانسه اخراج شده بود هم اکنون مورد استقبال مقامات دانمارکی قرار گرفته، صورت پذیرفته است.

اطلاعیه مذکور کلیه نیروهای انقلابی و به هیاتری، افتخار گری و اقدامات متحد علیه توطئه های تروریستی مزدوران جمهوری اسلامی که جهت ایجاد رعب و وحشت در میان ایرانیان مبارز و انقلابی صورت میگیرد، فرا خوانده است.

نکاتی پیرامون گزارش دهی

لطمه و ارسا زد، در عین حال، لازم است که ارگانهای رهبری و مسئولین واحدها و یا رشته‌های تخصصی، برای تقویت و تسهیل امر رهبری سیاسی - تشکیلاتی و کاهش ضایعات ناشی از تاخیر گزارشات تا کمالات دوره‌ای، از ارگانها و روابط تابعه، خودبنا به ضروریات پیش گفته، گزارش جاری طلب نمایند.

در اینجا، ضروری است به یک نگرش انحرافی که میتواند در مراحل گزارشات جاری و تشخیصی ضرورت آن اختلال بوجود آورد، نیز اشاره کرد: نگرشی که گزارشات جاری را در تقابل با خودمختاری واحدهای پایه‌ریزی بی‌کرده و به عبارت دقیق‌تر و جوه گوناگون سبک کار کمونیستی را در یک مجموعه همبسته مورد بررسی قرار نمی‌دهد. چنین درکی به دلیل گرایش محلی گرا یا نه، خودا ولا نقش رهبری ارگانهای بالاتر را مورد سوال قرار داده و تنها صورتی از آن باقی میگذارد و ثانیا در قبالی اهمیت تاثیرات مجموعه، مسائل یک منطقه در سطح عمومی، به نحوی لیبرالی بی‌تفاوت و منفعل برخورد می‌نماید. حال آنکه اصل خودمختاری حوزه‌ها و سازمانهای حزبی، در برابر اصل رهبری سیاسی - تشکیلاتی ارگانهای بالاتر قرار نداشته، بلکه خود جلوه‌ای از تدقیق و تکمیل اصل رهبری سیاسی - تشکیلاتی است. به همین ترتیب، خودمختاری حوزه‌ها نه تنها در مقابل گزارشات جاری قرار ندارد، بلکه پیشتر در صیحت آنرا فرموله میکند. همچنین برای روشنتر شدن جایگاه گزارشات جاری باید تاکید نمود که مسئولین و ارگانهای رهبری به هیچ وجه نباید گزارشات جاری را به گزارش روزمره تبدیل کرده و بی‌نوعی دخالت روزمره را در عمل سازماندهی نمایند.

روشن است که در زمینه شکل ارسال گزارشات جاری هیچ محدودیت معینی نمی‌توان قائل شد و به تناسب اهمیت و تنوع موضوعات و رویدادها میتوان اشکال و ویژه‌ای را بکار گرفت. یک خبر بسیار مهم را نمی‌توان به ارسال نامحسوس کرد، حال آنکه جمعیتدسیاسی از آن نیازمند روشنگری بیشتر بوده و طبیعا بطور کتبی باید انتقال یابد. از سوی دیگر میتوان مغفلات تشکیلاتی پیچیده‌تری را تصور نمود که برای گزارشات و فصل آن نشست مشترک ضروری است. بنا بر این میتوان گزارشات جاری را متناسب با مضمون آن، به اشکال و شیوه‌های گوناگون به ارگان بالاتر ارائه نمود. مهم این است که این وجه از گزارشات دهی نیز در مجموعه سبک کار حزبی واحدهای سازمان وارد شده و برای پیشبرد بهتر کارها و برای ارتقاء کیفیت رهبری سیاسی - تشکیلاتی منطما بکار گرفته شود.

مهم‌ا مازت تغییر مسئولینها، تقسیم کار، انتقاد و انتقاد از خود و... و یا یک معضل معین در زمینه سازماندهی و غیره میتواند مضمون گزارشات جاری را تشکیل دهند.

اهمیت گزارشات جاری

عنصر زمان به مثابه یک عامل مهم و پایه‌ای در کارکرد یک سازمان کمونیستی اهمیت برجسته‌ای دارد. بدون تاکید بر این عنصر زمان کمونیستی قدرت برخورد سریع و بموقع نسبت به مجموعه مسائل سیاسی و تشکیلاتی را از دست داده و بصورت یک محفل آکا دمیک و مغفردرخواه آمد. زمانیکه شتاب حوادث تحرک و ویژه‌ای را در سیاستگزار واقع - بینا نه‌و اتخا ذنا کتیکهای مناسب و بموقع و جمعیتد سریع آنها طلب میکند، رهبری سیاسی - تشکیلاتی و نظارت عموم تشکیلاتی و توده‌ای برای تأمین ارتباط تنگاتنگ و عقب‌نماندن از حوادث علاوه بر گزارشات دوره‌ای که خلعت جمعیتد از فعالیت یک دوره معین را دارا است، بر گزارشات جاری متکی است. یک واقعه مهم سیاسی نه تنها اطلاع سریع ارگان‌ها را بکار میگیرد، بلکه سبب طلب میکند بلکه سوزهاست که خواست عموم تشکیلات و حتی توده‌ها را احداث برای اطلاع برمی‌انگیزد. یک اختلال جدی در کارکرد درونی یک سازمان پایه اگر بموقع گزارش نگردد، ممکن است به گسستگی کامل بندهای تشکیلاتی منجر شود. اگر جمعیتد بموقعی از مشکلات و موانع پیشرفت یک سیاست اتخا ذنده نرسد، نیروی زیادی از سازمان هرزخواهد رفت. اگر سازمان کمونیستی نتواند با توجه به روابط شناسایی توده‌ای و خواست عمومی آن سازمان، نسبت به یک واقعه مهم سیاسی و نتایج یک سیاست اتخا ذنده و یا یک اختلال تشکیلاتی عکس العمل بموقع نشان دهد، موجب گسستگی در اراده و احساس سازمانی و کاهش پایه توده‌ای آن خواهد شد. رهبری فعال، بدون اطلاع سریع و بموقع از وقایع ناممکن است. و این امر بدون تردید پیوندی عمیق با گزارشات دهی بموقع یعنی گزارشات جاری دارد.

هر سازمان پایه، فعال و منضبط، در مجموعه کارکردهای سازمانی، با مواردی روبرو میشود که بلحاظ سیاسی و تشکیلاتی اطلاع آنرا به ارگان بالاتر ضروری تشخیص میدهد. از آن جمله نامواردی که بلحاظ سیاستگزار از آنها مامت معینی برخوردارند یا مواردی که بلحاظ اهمیت موضوع از محدوده مسئولیتها یک واحد یا به‌فرا ترمیرود. طبیعا است که عدم گزارشات بلافاصله موضوعاتی از این دست به ارگانهای بالاتر، اصل رهبری تشکیلاتی را خدشه دار کرده و میتواند ندره انسجام و استحکام تصمیمات

ساختار لیسیمدمکرا تیک مشخصه اصلی سبک سازمان کمونیستی است. هرگاه این مشخصه را نه از دیدگاه اساسنامه‌ای، بلکه بلحاظ کارکردی و واقع مضمون عینی آن مورد بررسی قرار دهیم، ساختار لیسیمدمکرا تیک عبارت خواهد بود از نظامی با کالبدی که در اتم توسط اجزای و شاخکهای حسی خویش تمامی رویدادها و تغییرات حاصله در محیط پیرامون را به مرکز رهبری منتقل کرده و سپس از تمرکز و تجزیه و تحلیل فاکتها، آگاهی کاملتر و همه‌جانبه‌تری را مجددا به اجزای منتقل می‌نماید تا هماهنگ و یکپارچه و اکثرا لازم‌رانشان دهند. و بدینسان در یک جریان دائمی از ارتباط متقابل میان اجزای و مرکز رهبری کل نظام به‌شوری روشنتر و به‌پرا تیک دقیقتر دست می‌یابد.

بدین ترتیب بدون گزارشات دهی دائمی، متنوع و همه‌جانبه‌زاین به با لویا لکس سازماندهی فعالیت کمونیستی غیر ممکن خواهد بود. هر اختلال در مرکز ارشدهی، به‌معنای اختلال در جوه گوناگون فعالیت کمونیستی خواهد بود. بدین معنی که نه می‌توان بر مبنای اطلاعات و تجارب گوناگون کل اجزای سازمان سیاست و تاکتیک درست اتخا ذ نمود، نه میتوان نسبت به اینکه سیاست و تاکتیکهای اتخا ذنده تا چه میزان منطبق برواقعیت بوده و در پرا تیک طبقه کارگر و توده‌ها جاری شده است، درک روشنی یافت، نه میتوان از جایگاه و قدرت واقعی سازمان در تمامی حوزه‌های مبارزاتی شناخت دقیق بدست آورد و با لاف و وحدت سیاسی - ایدئولوژیک و اراده و احساسات و اقدامات می‌ارگانها و اغراض و هواداران بی‌ریزی نخواهد شد.

در مورد اهمیت گزارشات دهی و اشکال و مضامین آن قبلا به مناسبتهای مختلف، از طریق ارگان مرکزی و رهنمودهای ارگانهای مسئول سخن گفته شده و هر بار جنبه‌ای از این عنصر حیاتی فعالیت کمونیستی تشریح شده است. اینک دلایل ضعف گزارشات دهی در سازمان ما چیست؟ گزارشات ارسال شده توسط رفا دارای چه نواقصی است؟ محورهای اساسی گزارشات تشکیلاتی سیاسی چه باید باشد؟ و با نقش گزارشات منظم دوره‌ای از جوانب گوناگون فعالیت در برابر لایردن کیفیت کار ارگانهای رهبری و کنترل عمومی بر چگونگی پیشبرد سیاستها و تصمیمات اتخا ذنده چیست؟ از جمله مضمونی بوده که مورد بحث قرار گرفته‌اند.

اینک ضروری است بر شکل دیگری از گزارشات دهی، یعنی ارسال گزارشات جاری تاکید ناما کنیم اهمیت و جایگاه آنرا در کارکرد یک سازمان کمونیستی روشن سازیم. گزارشات جاری، گزارشات هستند که در فواصل گزارشات دوره‌ای، بر حسب موضوعات و ویژه و اتفاقات مهمی که اطلاع ارگان بالاتر از آنها ضروری است، تنظیم و ارسال میگردد. بعنوان نمونه گزارشات مربوط به یک حرکت اعتراضی و جمعیتد آن، گزارشات خبری، اسناد مربوط به یک برخورد تشکیلاتی

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

نامه‌های از ایران ...

بین تعلل میوزرنه .

پولی بشه فلان برای خارج شهر آزما بشی گذاشتن، لظفا پول خرد بدین، از فردا هیچکس با اسکناس سوار نشه . " مجددا همه ما فرین همراه با خنده نوعی تعجب شروع شد، همه به تفرقا فتا دندوبا و اری جیبها یشان دنبال پول خرد می گشتند . مردحوان و شومندی با صدای بلند گفت : " قای را ننده این دیگه چه بازی ایه . ما سُب که میا بم بیرون، بچه ها پول خرد توجیب مون نمی زارن بمونه ، تازه تا برسیم اینجا دو کورس سواری سوار میشیم ، دیگه پول خردی نمی مونه ، علاوه برای شرکت واحد چه فرقی می کنه . " را ننده که تقریبا به نیمه های اتوبوس رسیده بود تا نشا با بالا انداخت و گفت : " والله من چه میدونم ، هروقت اومدن اسروش رودرست کنن چشوکور کردن، تقصیر ما نیس ، ما میت شما کارگیم هر حرفی دارین رئیس خط اون باشینه " . پیرسردی با خنده وبا صدای بلند گفت " قای را ننده خالاجقدش به خودتون میرسه ؟ " حالت صحبت پیر مرد و سکوت جمع که منتظر شنیدن جواب را ننده بودند را خیلی راحت کرده و ادا رش کودتا آنچه در دل دار د بگوید ، او

در این رابطه برخورد های چندی با مسافری یکی از خطوط خارج شهر داشتیم . مسافرینی که از طرح جدید خبر نداشتند و غالبا با تهیه بلیط وارد اتوبوس شده بودند . پس از اینکه اتوبوس کا ملاحظه شد ، را ننده با لامد ، درب را بست و با صدای بلند گفت : " برادرها و خواهرها ، دو تومن پول خرد ما ده کنن و از اولین ردیف شروع به جمع آوری کرایه ها کرد . همه میا ن مسافرین افتاد ، هر کسی چیزی میگفت ، عده ای صحبت را ننده را به شوخی تعبیر کرده و هنسوز بلیط در دست داشتند ، بعضی ها میگفتند که اگه کسی بلیط نداشت پولشوبا دیدبه ، که صدای مجددا ننده تقریبا همگی را از بلاتکلیفی نجات داد ، وی خیلی جدی و آمرانه گفت : " از این به بعد توی این خط اعلا بلیط نمی گیریم ، پول نقد با دیدن ، تازه ممکنه چند روز دیگه همه اتوبوسهای شرکت واحد

طبق طرح جدید شرکت واحد ، اتوبوسهای که در مسیرهای خارج از شهر نقل و انتقال مسافرین را به عهده دارند ، در طرحی آزما بشی ، از اول مهر ما ۲۷ به جای دریا فت بلیط اتوبوس ، ۲۰ ریال کرایه نقدی دریا فت میکنند ، ظاهرا شرکت واحد سرعت درجا بجای مسافرین این خطوط را علت اتخا ذابین چینی - تصمیمی عنوان کرده است و در این رابطه با مصلاح امتیازاتی نیز برای رانندگان مسیرهای لسوق الذکر قائل شده ، به این ترتیب که هر یک از آنها ملزم به پرداخت روزانه ۶۰۰۰ ریال به شرکت شده اند و در امتدافا از آن خودشان خواهد بود ، شکی نیست که هدف اصلی این طرفند جدید شرکت واحد در درجه اول ایجا دشکافا بین کارگران و رانندگان زحمتکش میباشد ، چرا که این پوئنهای نسبی و مقطعی که تنها شامل بخشی از آنها نمی شود میتواند به اتخا دو خواست جمعی آنها که حول افتاد دستمزدمتورگسز گردیده است ضربه بزرگی وارد آورد ، و در ثانی عدم توانائی و با سخگوشودن شرکت واحد به نیا مردم رالابرواشتی کرده و انظارا متوجه این مسئله نمایند که این رانندگان شرکت هستند که درجا بجای مسافر -

فراخوان برای همکاریهای انترناسیونالیستی

سوئد - استکهلم

و احداستکهلم سازمان به همراه نمایندگان جبهه فارا بوندومارشی (السالوادور) بمنظور ایجا د امکان برای همکاری های رفیقانه و کمونیستی در سطح بین المللی از چند وقت پیش اقداماتی را آغاز کرده اند ، اولین حاصل این همکاری انتر - ناسیونالیستی جلسه ای بود که در تاریخ ۱۱ فوریه ۱۹۸۹ در شهر استکهلم بدعوت سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - و احداستکهلم و جبهه فارا بوندومارشی (السالوادور) تشکیل گردید . برای این جلسه زهمه سازمانها و احزاب انقلابی و کمونیست کشورهای مختلف در سوئد . فعالیتهای درند دعوت رسمی بعمل آمده بود ، که حزب کمونیست مارکسیست لنینیست انقلابی سوئد (KPMI(T) و میرشلی بطور فعالانه در آن شرکت نمودند . غیر از این دو حزب سازمان احزاب و گروههای دیگری نیز نمایندگان و یا اعضاء و هواداران در این گردهمایی حضور پیدا کردند .

در این گردهمایی سه جریان به معرفی احزاب و سازمانهای خود پرداخته ، برخی مسائل نسوری و اکتوشل را برای شرکت کنندگان طرح نمودند .

اولین سخنرانی توسط نماینده KPMI(T) انجام گرفت که رفیق سخنران در مورد تاریخچه تشکیل حزب و بافت طبقاتی جامعه سوئد توضیحاتی داد . وی همچنین اظهار داشت که : " ما نمی توانیم از سندیگا های کارگری موجود در سوئد حمایت کنیم ، چرا که آنها ابزار ی دردست سرمایه داران بزرگ هستند . در سال گذشته علیرغم تنزل سطح دستمزدها در سوئد ، سرمایه داران سوئدی سهم بزرگتری را از سودها به جیب زده اند . شدت استثمار کارگران در سوئد یکی از بالاترین سطوح آن درجهان سرمایه -

خواهیم کرد . ما این به معنی روبرتافتن از راه - خطهای سیاسی نیست . در شرایطی که دولت آمریکا پذیرش راه حل سیاسی را ندارد ، جبهه با ادا زلحاظ نظا می قدرتمند گردتا ستوا ندفشارهای لازم در این زمینه به دشمن وارد کند ، از این روحیات انتر - ناسیونالیستی از ما ضروری است . " وی همچنین اطلاع داد که جبهه قصد دارد در ماههای آینده تظاهرات در شهرهای مختلف سوئد برای حمایت از پیشنها دات جبهه برپا دارد .

در پایان نماینده ای از سازمان ما به تشریح تاریخچه و تاسیس سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پرداخته ، ر دشمنیها را در ایران ، اصول وحدت های حزبی و جبهه ای سازمان را توضیح داد ، به روشن کردن شرایط کنونی حاکم بر کشور ، رژیم اسلامی و زجمله قتل عامهای اخیر زندانیان سیاسی توسط رژیم جنایتکار اسلامی پرداخت .

در فواصل سخنرانی ها ، برنامهای کوتاه هنری از ایران و سالوادور اجرا گردید ، گردهمایی با سرود انترناسیونال در حالیکه رفقای شرکت کنندنده از کشورهای مختلف آنرا یکمدا به زبانهای خود میسرودند و خنده و شادمانی با صدای بلند و سالوادوری و گفتگوبین میهمانان به پایان رسید .

شرکت کنندگان در جلسه ، گردهمایی را موفق ارزیابی نموده و به ضرورت تداوم و گسترش آن برای ایجا دوا حیا ، یک همبستگی انترناسیونالیستی تاکید کردند .

در پایان همین گردهمایی قطعنامه پیشنهادی رفقای ما در سوئد برای تشکیل یک کمیته همکاریها مورد توافق جبهه فارا بوندومارشی قرار گرفت و تصمیم بر آن شد که برای شروع اقدامات عملی از همة سازمانها ، احزاب و گروههای انقلابی کشورهای دیگر از جمله تیولی و پرونیز برای شرکت در این کمیته دعوت بعمل آید .

داری است ، کارگروشدی در ۸ ساعت کار روزانه بیش از کارگرزاپنی که حتی ساعت کار روزانه اش بیش از ۸ ساعت است تولید میکند ، سرعت تولید در سوئد بالاترین سطح درجهان را داراست ، زاپنی ها که در استثمار کارگران معروف هستند برای یادگیری از سوئدی ها داتما به اینجا می آیند ! امروزه اگر چه ما حزب کوچکی هستیم اما معتقدیم که آینده از آن ماست ! "

سخنران بعدی از جبهه فارا بوندومارشی KPMI(T) بود که به توضیح شرایط اجتماعی و مسائل انقلاب در سالوادور پرداخت ، وی از جمله گفت که : " آمریکا از طرق انتخابات ما مارس که از جانب دولت دست نشاندگان سالوادور برقرار خواهد گردید حمایت میکند ، اما انتخابی در واقعیت برگزار نخواهد گردید ، چرا که شرایط برای آن آماده نیست . ارتش مزدور همچنان حاکم است و جنگ داخلی که امکان ادا مدها را دارا ، ما جبهه آمریکا را برای شرکت و حمایت از انتخابی در مقدمات دمکراسی فراهم کرده و در ماه سپتامبر برقرار میشود اعلام کرده است . تا آن زمان با پرداختن مرگ از میان بردودنیرو - های آمریکا از سالوادور خارج کردند ، جوخه های مرگ منهدم گردیده ، حالت فوق العاده از میان برداشته شود ، پیشنها دجبهه فارا بوندومارشی در میان توده های سالوادوری از حمایت برخوردار است ، اما این پیشنها دات بعنوان راه حل سیاسی بحرآن از جانب آمریکا و دولت سالوادور تاسا رده شده است ، بهمین دلیل جنگ داخلی شدت با زهم بیشتری خواهد گرفت . سالوادور در مدت کوتاهی به حالت انفجاری درخواهد آمد .

ما هم اکنون از شیوه های مسلحانه برای برقراری یک دمکراسی واقعی استفاده میکنیم و



ندارم که به امتیازی به به عده بیدی و دیگران رو نسبت به آنها بدبین کنی، حقوق همه کارگرها خصوصا کارگری شرکت واحد که اولان خیلی وقت که حرفش هست، و نا هم مدا موعده و وعید میدن، دست آخر هم همچی طرحی پیا ده کردن که تیشه به ریشه کارگر میزنه، آخه بدبختی اینه که این مسئله بنفخ مردم هم نیس، چه فرقی برای مردم میکنه که بلیط بدن یا پولشو، و نا میخوانن سرپرستتر به تره کارها شون برسن، جوانی گفت: "پس بعد از این با بدبلیط فروشها بجای بلیط به مردم پول خریدن!" زنی که در ردیف دوم نشسته بود گفت: "ما بد میخوان اتوبوس رو گرون کنن"، راننده گفت: "نه آجی، فعلا این مسئله نیس همونی است که من گفتم، ما مسلما وقت نیس اتوبوس اینظوری بشه و رودی تا کسی هم گرون میشه و فردا بقال و چقال هم میبینن، اه کارگرها خود کفا شدن! و دارن برای درآ مدبیشتر تو خیا بونا، بسلا نسبت سگ دو میزنن، و نم به لاله لامیکنه". مردی که تیب کارمندی داشت گفت: "ما یداین طرح به این علت که گفتند هر روزا رخنه یا هرادا به اید خراج خودشود آره، حالا شرکت واحد هم چون نمیتونه حقوق شما روزیا دکنه میخواد دکاری کنه که خودشها از تسو خیا بونا به تومنی جمع کننید، یعنی با همدیگه مسابقه پول جمع کردن بذارین، راننده گفت: "حرف من همین بود که شرکت میخواد ما را بچون هم بیفتیم و نا با خیال راحت به دزدی ها شون برسن، مت مدبرعا مل مترو که، هنوز هیچی نشده دزدید و در رفت".

سردرد دل همه ما فرین را که عمدتا کارگرهای کارگاهها و واحدهای کوچک و بزرگ خراج شه بودند را با زکرد آنها از دانشن سرویس، از دانشن غذا، کمی حقوق و... گلابه ها داشتند. یکی از اتوبوسهای داخل شهر که در منطقه جنوبی و بسپا ریلوگ شهران جمعیتی بیش از سه برابر ظرفیت را در خود جای داده بود تا در نبود درب جلو و عقبش را ببندد، چرا که روی کارها بیش هم دوسه نفری خود را آویزان کرده بودند. راننده که مرد جوان و خوش مشربی بود، مدا ما با فرین شوخی میکرد و می خندید. من که نزدیک وی به صندوقها پرس شده بودم با صدای نسبتا بلند که اطرافیان نیز بشنوند گفتم: "آقای راننده خیلی خوشحاله آخه قراره اتوبوسها پولی بشه!" راننده با دلخوری گفت: "نه داشت، خوشحالی من از جای دیگه س این که شما میگی خوشحالی نداره، فکر تو بکن با این جمعیتی که من سوار کردیم یک نفر صد تومنی بده و من بخوا مبقیه شوه دست به دست بپوشم، چه وضعی پیش میاد، کسانیکه این طرح رودان تو عمرشون سوار اتوبوس نشدن، املا اتوبوسهای جنوب شهر و بونا این وضعیت تو خواب هم ندیدن، این برنا مه دریک کلام فقط برای به چون همانا ختن کارگراست، واللله که دلشون بحال ما سوخته چرا حقوقمون رو درست نمی کنن، خیلی از راننده ها شدیدبا این موضوع مخالفن و اعتراض کردن اما بعضی ها هم هستن که برای رفتن به خطوط خارج شهر س رودست می کنن، ما من بنوبه خود ما ملاقبول

ضمن جمع آوری گرایه، با خوشرویی و خنده گفت: زاستش قراره روزی ۶۰۰ تومن بدیم به شرکت بقیه اش مال خود مونه، اما چه فایده دوروزدیگه ممکنه جمش کنن، تا زه این چیزانمکی و اسه اش ما نیست، از همه بدتر اینکه همه کاره کوزه ها روسما نکستن و گفتن شما تو ایستگاه نگاه نمی دارین، و کلاز میدین و میرین و مسافر جا می مونه، حالا ایسن برنامها خواستن که ما برای پولشم که شده توهمه ایستگاهها و ایستیم، اما معلوم نیست که مسافرا رو کجا با بدسوار کنیم، ما که از اول خط پُرپُر می ریم خودتون تا همدین، به کمی هم که طولش بدیم هیچکس دوم شما به سرکارتون بموقع نمی رسین، و الا ما تا حالا س با این مردم حضرت عباسی تا کردیم، بعد از اینم فرقی بحال ما نمی کنه درسته که روزی ۱۰۰، ۱۵۰ تومن برای من ممکنه بمونه ولی چه فایده، معلوم نیس که دانشی باشه، از اون گذشته مگه خطهای خارج شهر چندتا راننده دارن، بگذریم که حالا دوسه برابرش کردن، اما اینهمه راننده تو شرکت هست، به ایدیه کار اساسی صورت بگیره، به اید حقوقها درست بشه هم حقوق ما هم حقوق شما، املا حقوق کارگرها با خروج مخارج امروز جوردن نمیداد". در این هنگام راننده پشت فرمان نشست، پیر مرد داد زد: "برای سلامتی همه کارگرا، علی الخصوص کارگری شرکت واحد صلوات!" جمعیت با خنده و صدای بلند صلوات فرستادند، اتوبوس حرکت کرد اما صحبتهای راننده

دست آوردها سله حکومت فقها

The collage consists of several photographs with handwritten captions in Persian:

- Top left: "عکس فوق متعلق به پسر پنهانی" (Photo of an unknown person)
- Top middle: "عکس فوق متعلق به دختر پنهانی" (Photo of an unknown person)
- Top right: "عکس فوق متعلق به سواهر و سوادری است به پسر گریه کننده" (Photo of a crying child)
- Middle left: "عکس فوق متعلق به دختر پنهانی" (Photo of an unknown person)
- Middle middle: "عکس فوق متعلق به دختر پنهانی" (Photo of an unknown person)
- Middle right: "عکس فوق متعلق به دختر پنهانی" (Photo of an unknown person)
- Bottom left: "عکس فوق متعلق به دختر پنهانی" (Photo of an unknown person)
- Bottom middle: "عکس فوق متعلق به دختر پنهانی" (Photo of an unknown person)
- Bottom right: "عکس فوق متعلق به دختر پنهانی" (Photo of an unknown person)

روزیمدهمین سال تولدش را جشن میگیرد، ده سال ترور، وحشت، خفقان، شکنجه و اعدام و درکنار اینها فقر، گرسنگی، بیکاری، فقر بهداشت و خلاصه نبودن حداقل امکان برای یک زندگی بخور و نمیر، ده سال حاکمیت رژیم ما میتوان درجه تک تک این کودکان دید و شرایط زندگی والدینشان را در نظرسر آورد که درجه موقعیتی بوده اند تا نتوانسته اند جگر گوشگان خویش را در خیا با نرها س زندتا حداقل خودنا هدمرگشان نیباشند، از این نمونه ها فراوانند. این کودکان تنها دریک شما ره کیهان (بهمن) اما میخان آورده شده است و تا زه کودکانی را تا مل میگردد که در تهر ان رها گردیده اند، هر روزا این گونه آگهی ها در روزنا مه فراوان می توان دید. این تنها یک گوشه کوچک از دست آورد حکومتی است که فقها سکاندارانند.

آما رسخن می گویند

۵ تا ۶ میلیون پرونده مالیاتی در ایران وجود دارد که حاکی از وصول درآمد مدفوشاران براتقار متوسط و کم درآمد است .

از شهریور ۵۹ تا اوایل خرداد ۶۵ بخش کلان مبلغ ۷۰۰ میلیارد تومان مالیات ، به دولت بدهکار است .

تجار ، ووش پنبه را کیلوسوی ۱۳ تا ۱۵ تومان از تولیدکننده میخرند ، پنبه را کیلوسوی ۵۰ تا ۶۰ تومان در بازار میفروشند و خصل از آن را کیلوسوی بیش از ۲۰۰ تومان به قالیباف .

سروششت یک میلیون قالیباف استان خراسان در دست ۲۰۰ تاجرقالی است . (آما رفوق ازکیهان هواشی ۲۸ دی استخراج شده است .)

توزیع داروهای فاسد

بین مردم

خریدار خراج یکی از منابع کسب درآمد برای سردمداران رژیم است ، هر بار خرید کالای استصفا هزار دلار به جیب ما مور خریدار ریزنماید ، پس از زدوبندهای خریدار سلحه و ماشین آلات صنعتی و . . . اکنون نوبت به مواد داروئی رسیده است . جریان مردم مجلس رژیم بدین شکل با زتاب با افتت است که دولت نه تنها " دارو مواد اولیه داروئی را از کارخانجات غیر معتبر و واسطه ها " میخرند بلکه " دارو های فاسد و غیر قابل مصرف را در سطح کشور جهت مصرف توزیع می نماید و به " اجرای ضوابط و مقررات فنی لازم در خرید دارو " هیچگونه نظری ندارد و علاوه بر آن " خرید دارو با فاکتورهای جعلی و با قیمت های غیر واقعی " از کشورهای خارجی صورت گرفته و برای اینکه جریان آشکار نگردد و طرح " توزیع و مصرف سریع داروهای اضافی و فاسد " به اجرا درآمده است ، این امر " خراج از شبکه رسمی به شرکتهای غیر واقعی که منجر به ورود آنها به بازار آزاد گردیده است " تحقق یافته است . (نقل قولها از بحثهای مجلس رژیم - کیهان ۱۲ بهمن)

به عبارت ساده تر سردمداران رژیم برای اینکه جیبهای خوبی را بر بگردانند ، علاوه بر سوسیس و وحق دلالی و غیره دارو فاسد خراج خریداری میکنند و برای اینکه رحتی فاکتورهای جعلی نیز ترتیب میدهند تا زه به این بسنده نکرده ، به ورود آن به ایران آنها را از طریق عوامل خویش در بازار آزاد به چند برابر نرخ دولتی میفروشند .

ها شمی رفسنجاننی

رئیس جمهور آ پینده

ها شمی رفسنجاننی از جدی ترین افراد گروه طرفدار تغییر قانون اساسی است ، او مدتها بود که میگفت با یقدرت ریاست جمهوری زیادتر گردد و پست نخست وزیرری در آن ادغام گردد ، سرانجام دم خروس از پس این حرفها بیرون آمد و شایعات جای خویش را به او قمعیت داد ، آقای رفسنجاننی ابتدا خود در جمع شرکت کنندگان در "کنگره زن" اعلام داشت که نامزدی وی برای احراز پست ریاست جمهوری مطرح است و بدنبال آن خامنه ای در مصاحبه با کیهان هواشی مطرح نمود که " تصور میکنم که بهورت طبیعی هر کسی که به صحنه ایران نگاه کند ، چشمش به آقای رفسنجاننی خواهد افتاد " و او از " بهترین ها ، کارر - آمدترین ها و مجرب ترین ها و شایسته ترین ها " برای ریاست جمهوری است ، در خسرها صحبت از این است که دو گروه " روحانیت مبارز " و " روحانیون مبارز " نیز تصمیم دارند وی را کاندیدای پست نمایند ، بدین ترتیب از هم اکنون میتوان از رفسنجاننی بعنوان رئیس جمهور آ پینده ایران نام برد .

معا دن نیز به بخش خصوصی

واگذار می شود .

سرانجام مدبری قرار دادن مدارس ، دانشگاه ، کارخاننها ، دولت بخش خصوصی ، معا دن نیز در اختیار بخش خصوصی قرار خواهد گرفت ، این مطلب را کسه معاون وزیر معا دن و فلزات انتشا زده است ، اعلام نمود که " ۱۵ طرح صنایع معدنی فلزی با حجم سرما به گذاری یکصد میلیون رد ریال توسط بخش خصوصی به اجرا خواهد آمد ، مد که صرفه جویی ارزی سالانه ۲۱۲ میلیون دلار به همراه دارد " و همچنین " ۳۷ طرح نیز در صنایع معدنی غیر فلزی با سرما به گذاری ۱۲ میلیون رد ریال و صرفه جویی ارزی یکصد میلیون دلار اجرا خواهد شد " ، بوی دلار از یکطرف و از طرف دیگر " فرصتی که برای بازاری کشورهای آ آمده " با عث شده که رژیم " با استفاده از امکانات تخصصی و سرمایه های معنوی داخلی و امکانات مادی جامعه ، زمینه رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور فراهم سازد . (نقل قولها از کیهان ۵ بهمن)

گفتنی است که هم اکنون تعداد ۸۰۰ معدن در ایران مشغول بکار است که بقول همین منبع طی ۹ ماهه سال جاری تنها ۳۵ هزار تن مواد معدنی به خارج از کشور صادر نموده است ، طی همین مدت کلا ۳۲ میلیون تن انواع مواد معدنی استخراج شده است .

آوارگان جنگ شبها را در قبرستانها می خوابند ،

اداره صورت گرفته است ، گفت که سو استفاده و خط با زیبهای سیاسی در این بنیادکارا بجای رسانده است که پس از ۸ سال در بدری و رنج ، بسیاری از آوارگان آبادانی و خرمشهری شبها را بدون سرپناه در قبرستانها می خوابند .

گزارشی از مرکز روائ پزشکی رازی

مرکز روائ پزشکی رازی در نزدیکی تهران در مساحتی حدود صد هکتار مربع زمین در کنار دامنه کوه بی بی شهر با نوا قرار دارد ، در طرفین آن دو کارخانه سیمان واقع شده در نتیجه هوای آلوده اولین چیزی است که نظر آدم را جلب میکند .

بیمارستان رازی که حدود ۶۷ سال پیوسته ساخته شده ، اولین مرکز روائ پزشکی ایران محسوب میشود که قبلا در المکانین نامیده میشد ، این مرکز هم اکنون ۱۴۰۰ بیمار روائی را در خود جای داده است رئیس این بیمارستان میگوید : " روی هم رفته ۱/۵ میلیون نفر بیمار روائی در سطح کشور وجود دارد که با نمد هزار نفر آن از بیماری " اسکیزوفرنسی " رنج میبرند ، یک میلیون نفر بقیه هم نیاز دارند که سالی یکبار بستری شوند و تحت درمان قرار بگیرند ، ۵۰۰۰۰ در حال حاضر بسیاری از استانهای کشور مثل لرستان ، مازندران و . . . بیمارستان روائی ندارند ، ۵۸۰۰۰ در سال ۵۸ تعداد روائی نیشگان این مرکزی نفر بودند که این رقم در حال حاضر به ده نفر تقلیل یافته است " .

در بخش قارایی این مرکز ۵۶ بیمار بستری هستند که تنها ۴۰ نفرشان تخت دارند و بقیه روزمین می خوابند ، اما تقاضای سردی بدون بخاری هستند .

در بخش شهید تیمیمی این مرکز که محیطی تاریک ، کشیف و سرد دارد و با گذشته بواسطه سردی هوا ، نداشتن لباس ، غذا و . . . هشت بیمار روائی جان خود را از دست داده اند ، در این بخش از تخت و تشک خبری نیست ، در کل بخش یک بخاری وجود دارد ، به بیماری یک پتو داده اند که با دیدن آن بسر برد و بیماران با کمبود غذا مواجهند .

مطلب فوق خلاصه ای بود از گزارشی به همین نام از کیهان ۱۲ بهمن ۶۷ در کنار این گزارش این نکته نیز گفتنی است که در ایران طبق آمار روزبه روز بر تعداد بیماران روائی افزوده میشود .

نتایج سرشماری

اجتماعی - اقتصادی عشا بیرا بیرا

از سوی مرکز آمار ایران آخرین نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی ایران بدین شرح اعلام شد : بر اساس اطلاعات بدست آمده از این سرشماری بالغ بر ۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل به شیوه کوچ نشینی در سراسر ایران زندگی میکنند که مجموعا ۱۸۰۲۲۳ خانوار را با جمعیتی برابر ۱۱۵۲۰۹۹ نفر در بر میگیرند .

جامعه عشایری ایران که اندکی بیست از ۲ درصد جمعیت را تشکیل میدهند ، تعداد ۹۲۸۲۸۴۶ راس گوسفند و ۷۶۷۸۷۵۵ راس بز و بزغاله نگهداری میکنند و در واقع عمده ترین تولیدکننده دام کوچک و فراورده های دامی در کشور به شمار میروند . از نظر اقامتگاه ۹۳/۶ درصد خانوارها در دوره استقرار در بیلاق و ۵۲ درصد در دوره استقرار در قشلاق زب سرپناه - چادر - بسر میبرند .

چهار میلیون آوار جنگی تنها یک گوشه کوچک از بی آمدهای جنگ ارتجاعی ایران و عراق است . در ایران آوارگان جنگی تحت نظر ادارهای بنام "بنیاد مومنها جرین" زندگی میکنند ، کوس رسواشی این اداره شهره آفاق است ، اخیرا شما پینده آبادان در مجلس رژیم با اشاره به دزدیهای کلانی که در این



رفقای ما در پارلمان سوئد

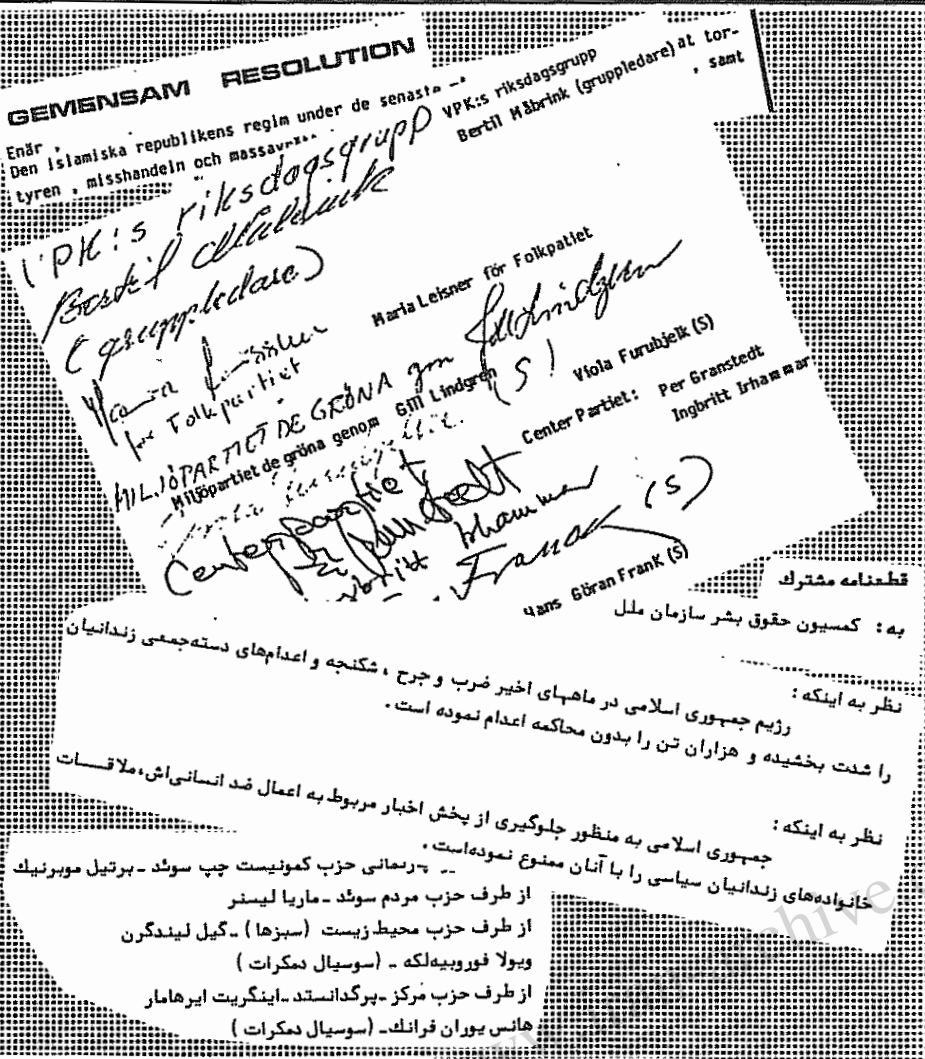
افشای کردند!

بدنبال علنی شدن اعدامهای اخیر روسی از انتخا را خبا ر مربوط به آن از طرف رسانه های گروهی رفقای ما در استکهلم ضمن تهیه متن یک قطعنامه مشترک برای تأیید و امضاء توسط فراکسیونهای احزاب مختلف، افشاکری موثری را بر علیه جمهوری اسلامی در پارلمان سوئد سازمان دادند. این قطعنامه مشترک که به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل ارسال گردیده به امضای شخصیتهای سرشناس سیاسی، فراکسیونهای احزاب گوناگون و نمایندگان آنها در کمیسیون خارجه مجلس - بجز حزب افراطی راست (مودراتها M) - رسید. غیر از قطعنامه مشترک رفقای ما به همراه بستگان برخی از شهادهای اعدامی اخیر بطور مستند نمایندگان و روسای گروههای پارلمانی را که عبارت بودند از حزب کمونیست چپ، حزب سبزها، سوسیال دمکراتها و حزب مردم، در جریان مشروح وقایع هولناک اخیر ایران قرار داده، آنان را قانع کردند تا اعزام یک هیئت پارلمانی به ایران برای بازدید از زندانها موافقت کرده، مسئله را پیگیری نمایند. نمایندگان نیز با پاسخ مثبت به این درخواست قول دادند که علاوه بر آن موارد دیگر درخواستهای مطروحه از جمله محکوم کردن دولت ایران و فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی از راه محدود کردن روابط موجود، راهم در جلسه عمومی پارلمان مطرح نمایند. یکی از نمایندگان زن از حزب سوسیال دمکرات نیز قول داد که با همه نمایندگان زن که نسبت کثیری را در پارلمان سوئد تشکیل میدهند، در خصوص محکوم کردن اعدام زنان در ایران مذاکره نمایند.

"هانس یوران فرانک" نماینده سوسیال دمکرات در کمیسیون خارجه مجلس که از نفوذ بسیاری در این موارد برخوردار است، گفت: "گمان نمیکنم که رژیم ایران بخواست پارلمان مبنی بر اعزام هیئت پارلمانی جواب منفی بدهد." نماینده سبزها متذکر شد، بزودی با "پیپزوری"، معاون وزارت خارجه سوئد که قبلاً لاریجانی مذاکره ای داشته، تماس

ما لمو سوئد:

رفقای سازمان در منطقه اسکونه (مالمو - لوند) سوئد در پی افشای وسیع جنایات رژیم خونخوار اسلامی و حمایت از زندانیان سیاسی ایران که مورد قتل عام و کشتارهای دسته جمعی ارتجاع مذهبی حاکم بر ایران قرار گرفته بودند، در تاریخ ۲۹ ژانویه تصمیم به برگزاری شب همبستگی و جمع آوری هر چه وسیعتر نیرو در حمایت از زندانیان سیاسی گرفته و از رفقای ما در سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران در منطقه واکانون کردهای منطقه جنوب سوئد برای همکاری دعوت نمودند. برای برگزاری هر چه پر شورتر این شب از شوان خواننده و هنرمند معروف و انقلابی خلق کرد نیز برای این



قطعنامه مشترک

به: کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

نظر به اینکه:

رژیم جمهوری اسلامی در ماههای اخیر ضرب و جرح، شکنجه و اعدامهای دسته جمعی زندانیان را شدت بخشیده و هزاران تن را بدون محاکمه اعدام نموده است.

نظر به اینکه:

جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از پخش اخبار مربوط به اعمال ضد انسانی اش، ملاقات خانوادههای زندانیان سیاسی را با آنان ممنوع نموده است.

- از طرف حزب مردم سوئد - ماریا لیسنر
- از طرف حزب محیط زیست (سبزها) - گیل لیندگرن
- ویولا فورویه لکه - (سوسیال دمکرات)
- از طرف حزب مرکز - برگدانستد - اینگریت ایرهامار
- هانس یوران فرانک - (سوسیال دمکرات)

برسانند. نماینده حزب مرکز نیز گفت: آنها مشا به طریقی را که در زمان پالمه (یعنی در موقع اعدامهای سال ۱۳۶۵) به مجلس برده بودند، مجدداً در پارلمان مطرح خواهند نمود. ویژگی مهم مذاکرات فوق با نمایندگان پارلمان تشریح مستقیم بخشی از وقایع اخیر از زبان خویشان و بستگان شهدا بوده که آنان را ملزم به عکس العمل ضروری در این رابطه کرده و جمعاً موجب توجه به درخواستها از جانب آنان و تضمین موفقیت این دورا ز تلاشهای مزبور بوده است.

میگیرد و درخواست مجازات اقتصادیان ایران را عنوان خواهد کرد. وی اضافه کرد، فراکسیون آنها طرحی را جع به مسائل زندانیان سیاسی ایران به مجلس ارائه خواهد نمود. لازم به یادآوری است که "پیپزوری" قبلاً در جریان مذاکرات با لاریجانی موافقت خود را با فرستادن یک هیئت اقتصادی در ماه آوریل برای همکاری با جمهوری اسلامی در روند "بازسازی" اعلام کرده بود. حزب کمونیست چپ اظهار داشت: از جانب آنها طرحی راجع به اوضاع ایران در روز ۱۶/۱/۸۹ به مجلس ارائه شده و در آن از دولت سوئد خواسته شد روابط اقتصادی خود را با ایران به حداقل ممکن

شب همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

مرا سم دعوت بعمل آوردند.

شب همبستگی با شرکت حدود ۴۰۰ نفر از ایرانیان مقیم منطقه و برخی از خارجیانی که پیشود گفت استقبال استثنائی از چنین مراسمی بود، گرد هم آمدند و ساعت تماماً سرودهای انقلابی و رقصهای شادمانی نفرت و انزجار خود را از رژیم فاشیستی و ضد انسانی اسلامی بنمایش گذاشته و عزم را سخت خود را در مقابله با نیروی کشتار و تشنه های با ستایش زندگی انسانی عیان ساختند.

مراسمها یک دقیقه سکوت با یاد هزاران هزاری حامی شادی و سعادت و سوسیالیسم که زندگی و جان خود را در راه آن فدا کرده و مورد شکنجه و کشتار جمهوری

فقا قرار گرفته اند، آغاز گردید و پس از آن پیام کمیته برگزار کنندگان قرائت گردید. بیانییه مشترکی نیز از جانب رفقای ما و هواداران سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران و کانون کردهای منطقه جنوب سوئد منتشر گردید. پس از هنر نمایشی گروههای متعددی از ایرانیان و شیلیایی ها، شوان با نوای دلنشین و انقلابی خود جمعیت حاضر را به شور و مبارزه دعوت کرد. در کانون مراسم نمایش عکس و میزکتاپ نیز برپا شده بود و گروههای سیاسی اعلامیه ها و تراکتها را خود را بخش نمودند.



ایرانی را به پلیس ترکیه دادتا هرچه زودتر مجبات اجرای قراردهای مذکوررا فراهم کند. روزپنجشنبه ۱۹۸۹/۲/۲ پلیس ترکیه گروهی از پناهندگان و فراریان سیاسی ایرانی را از شهرهای اطراف آنکارا جمع آوری و به شهر "وان" در نزدیک مرز ایران منتقل کرده تا از آنجا به ایران تحویل داده شوند. پلیس ترکیه روزجمعه را برای اینکار (تحویل به ایران) اشتخاب نموده بودتا بتوانا ز دوروز تعطیلی پس از آن حد اکثر استفا در آن نموده و با بسته بودن روزنامه ها، سفارخانه ها و دفاتر سازمان ملل هیچگونه مزاحمتی از این عمل جنایتکارانه اش بعمل نیاید. اما جمعی از پناهندگان ایرانی که از ماجرا باخبر شده بودند فوراً با کشورهای سوئد و هلند، سفارخانه ها و شخصیت های حقوقی ترکیه تماس گرفته آنها را در جریان جزئیات امر قرار دادند. در پی آن با همکاری و پیگیری دیگر پناهندگان ایرانی چند ترکیه و چند کشورهای دیگر (از جمله سوئد) مراجعه به مراکز عقوبت الملل، دفاتر سازمان ملل و صلیب سرخ جهانی، مراکز ذی نفوذ در ترکیه فعال نمودند که با لایحه در نتیجه فعالیت پیگیری دیپلمات زن در سفارت هلند به همراه یک خبرنگار هلندی و نیز همچنین از طریق چند وکیل ترک مانع از استرداد جنایتکارانه این گروه از پناهندگان ایرانی شدند. سپس در پی فشار موثر مراجع بین المللی دولت ترکیه مجبور به بازگرداندن پناهندگان مذکور به شهرهای قسلی خود در اطراف آنکارا گردید. در این میان حتی دوروز پس از بازگرداندن پناهندگان ایرانی، پلیس ترکیه وقیحا نه با ضرب و با زگرداندن یکی از پناهندگان با زداشتی که وضعیت حساس تری نسبت به بقیه داشته و نشد و تنها پس از اقدامات بیشتر پناهندگان ایرانی، مجبور به بازگرداندن وی گردید.

وین - اتریش :

سفر خا منهای و تدارک اعتراض

در اعتراض به کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی و سفر خا منهای ولایتی رئیس جمهور و وزیر امور خارجه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در آینده نزدیک به اتریش، بدعوت ۱۶ تشکل دمکراتیک و هواداران سازمانهای مترقی و مبارز ایرانی، اتریشی، کرد و ترک از روز چهارشنبه ۱۵ فوریه آکسیونهای زنجیره ای بمدت یک هفته در وین برگزار خواهد شد. این آکسیونها تا مل برگزاری نمایشگاه عکس، اعتصاب غذا، تظاهرات و راهپیمایی خواهد بود.



سوئد - استکهلم

استرداد دبیس با بقیه و هولناک پناهندگان ایرانی

در پی قول و قرارهای اخیز دولت سوئد برای شرکت در روند "بازسازی" دعاوی جمهوری اسلامی رسماً و علناً سیاستهای جدیدی علیه پناهندگان ایرانی اتخاذ گردیده و روز بروز با بدگستردگی می یابد. دامنه موج جدید استرداد پناهندگان ایرانی آنچنان وحشتناک است که همه را بشدت نگران کرده است.

اغلب روزنامه های منطقه ای در سطح استانها از اخراج ایرانیان مستقر در کمیتهای پناهندگی خبر میدهند: "روزنامه Värmlands Folkblad" در تاریخ ۱۹۸۹/۲/۲، که در صفحه اول در حالیکه به نقل از یک "جوان فراری" می نویسد: "من ممکن است اعدام شوم"، خبر از صدور حکم اخراج وی از سوی اداره مهاجرت سوئد میدهد. همین روزنامه در تاریخ ۱۹۸۹/۱/۳۱ خبر استرداد یک جوان ایرانی دیگر در واسط ما فوریه سال گذشته را نیز درج کرده بود. کمیته نزیست فرودگاه بین المللی استکهلم بنام "کارلموند" نیز بطور مرتب و هفتگی تا حدود استرداد دبیر خا منهای ایرانی است که چند روز پیش از آن با هواپیمای وارد سوئد شده اند و از همانجا به شوه های غیرقانونی مجدداً دیپورت میشوند. استرداد یک پدر بيمراه و دوازده ساله اش، جزو آخرین نمونه های این سری است. اخیراً در یکی از کمیتهای پناهندگی بنام "هرفوش"، ایرانیان با شنیدن خبر دریافت حکم اخراج ۲ تن دیگر، در کلیسای شهر، روزهای متوالی دست به تجمن و اعتصاب غذا میزنند.

در پاسخ به چنین وضعیتی است که کمیته دفاع از پناهندگان ایرانی - استکهلم با حمایت پناهندگان و نیروهای مترقی و انقلابی با انتشار فراخوانی ضمن تشریح اوضاع، با هدف مقابله با سیاستهای ضد پناهندگی دولت سوئد، برای چهارم مارس دعوت به تظاهرات کرده است.

شکست تلاش جدید دولت ترکیه

در استرداد دیک گروه از پناهندگان

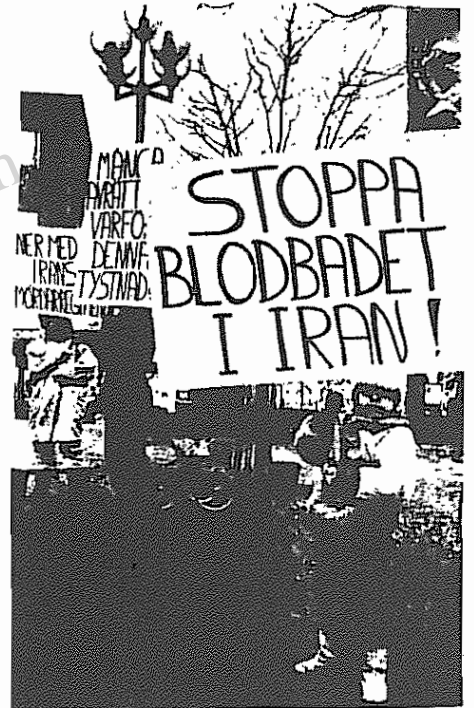
پس از مذاکرات وزیر کشور ایران و هیئت همراه آن با همتا های ترکیه ای، قراردهای امنیتی بین دو کشور که در سالهای ۱۹۵۰ برای کنترل و به دام انداختن مبارزین دو کشور به مفا رسیده بود، مجدداً احیا گردید. در کناره این قضیه یک سری توافقات جدیدی نیز در این زمینه بعمل آمد و از جمله وزیر کشور رژیم جمهوری اسلامی لیستی از فعالین سیاسی

کارلسکوگا - سوئد :

تظاهرات ایستاده علیه قتل عام

زندانیان سیاسی در ایران

با گسترش حرکات و اعتراضات پیاپی و برداشته برای نجات جان زندانیان سیاسی از زیر تیغ رژیم جنایتکار اسلامی، پناهندگان ایرانی مقیم شهر کارلسکوگا سوئد که پس از گردهمایی های پیاپی و فعالانه خود، دست به تشکیل کمیته دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران زده بودند، متوالیاً در روزهای ۱۲ و ۱۳ ژانویه تظاهرات ایستاده ای را در میدان مرکزی شهر سازمان دادند. در جریان این تظاهرات کمیته مزبور با انتشار اعلامیه های بزبان های سوئدی و فارسی ضمن درج خبر کشتار هزاران زندانی سیاسی بدست رژیم جمهوری اسلامی خواهان اقدامات قاطع علیه این جنایات از جانب



دولت و پارلمان سوئد شد. در عین حال کمیته موفق به جلب همبستگی فعال احزاب کمونیست و سوسیال دمکرات منطقه و انعکاس گسترده در میان این تظاهرات توسط رادیو روزنامه های مختلف در سطح ایالت "ورملند" گردید.

تنها شعار فارسی کمیته که بر روی پلاکارد نوشته شده، عبارت بود از "زادای زندانیان سیاسی در گرو سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است". که در حقیقت بنیانگزاران جرح طلبانه، منطقی و ستایشی برای نگرانیان ایران است که به آنها مختلف از ستمهای اجتماعی و سیاسی در ایران متاثر میشوند.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

کمونیست‌ها و جنبش ۲۱ آذر آذربایجان

ستون آزاد

"من تنها با زبان ساده میتوانم بگویم که خلق آذربایجان مبارزه خود را از زمانهای قدیم شروع کرده است. این مبارزه بنا به شرایط و مقتضیات زمان و عصر در اشکال مختلفی ظاهر شده و با شعارهای مختلفی تعقیب شده است." (۱)

"سیدجعفر بیسه‌وری"

درباره جنبش خلق آذربایجان در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۵ شمسی از طرف جریان‌های سیاسی چپ و راست کما بیش نوشته شده است. حیوانات سیاسی راست آنرا حرکتی نشان داده اند که با اشاره انگشت استالین بوجود آمده و با اشاره و نیز از هم پاشید، نیروهای مثل حزب توده و اکثریت بدون هیچگونه تحلیلی آنرا در چند سطر ستوده و خود را از شر خاطر نا مطلوبین خسلای کرده اند. عده‌ای در مورد این حرکت بزرگ تاریخی سکوت کرده اند و بعضی نیز آنرا حرکتی ملی هم از رخ قلمداد نموده و حتی بعضا در مخالفت با آن تا آنجا پیش رفته اند که نامیدن این حرکت را بنام نهضت غلبت دانسته اند. عده‌ای از باقیمانده‌های این جریان در اتحاد شوروی که اساسا عوامل با قسراف در داخل فرقه دمکرات آذربایجان محسوب میشده اند امروزه نیز دم دستگاری در آنجا دارند و هنوز هم از قبل آن نشان میخورند. و نشریاتی نیز بیرون میدهند که چیسز تا زهای در آن نمی توان یافت. همین ها نیسز هستند که امروزه دکان حزب توده را میچرخانند. و اما وظیفه جنبش کمونیستی مستقل از حزب توده و اکثریت است که این حرکت بزرگ مردمی را مطالعه و بررسی نموده و آن در سهای لازم را بگیرد. زیرا بدون درس گیری از گذشته حرکت صحیحی در آینده نمیتواند صورت گیرد. بدون جواب دادن به سوالات بر حسب خلق آذربایجان در رابطه با ۲۱ آذر نمی توان انتظار داشت که زحمتکشان آذربایجان نسبت به سازمانهای چپ رفتاری محتاطانه نداشته باشند. در این بررسی باید نقش اتحاد شوروی، فرقه دمکرات آذربایجان و حزب توده مشخص شود. این بررسی از جمله باید به این سوال اساسی جنبش کمونیستی ایران جواب بدهد که: وظیفه ملی و انترناسیونالیستی و رابطه این دو چیست و کدام بردیکری مقدم است؟ زیرا هنوز هم که هنوز است جنبش کمونیستی در ایران از این مسئله ضربه میبیند و فاجعه‌ای کسه حزب توده و سازمان اکثریت بعد از انقلاب مسببش بودند دقیقاً ریشه در این مسئله داشت.

جنبش خلق آذربایجان در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۵ در حقیقت ادامه انقلاب مشروطیت و حکومت ملی شیخ محمدخیا باقی بود. مسائلی که در انقلاب مشروطیت و حرکت خیا باقی در آذربایجان و نقساط دیگر ایران حل نشده باقی مانده بودند به فافسه مسائل تازه ای در دستور روز حرکت ۲۵ - ۱۳۲۵ قرار گرفت. با سپری در تاریخ صدسال اخیر می بینیم که در انقلاب بورژوازی - دمکراتیک مشروطیت،

آذربایجان بیش از دیگر نقاط کشور در جوش و خروش بوده است. آذربایجان بدلیل رشد اقتصادی و فرهنگی نسبتاً بالا پیش در مقایسه با دیگر مناطق کشور در رابطه نزدیکش با روسیه و قفقاز و شرکت کارگران آذربایجانی شاغل در مناطق نفتی با کودر حرکات سوسیالیال دمکراتیک روسیه، در انقلاب مشروطیت نقش رهبری داشت و این نقش را تا سقوط حکومت محمدعلی شاه و تصرف تهران توسط مشروطه طلبان حفظ کرد. این رهبری توسط انجمن ایالتی آذربایجان و هیئت هما نظریه که آذربایجان نیچا آنرا می نامیدند "مجلس ملی آذربایجان" اعمال میشد. اما ساسیکی از دستاورد های گرانقدر انقلاب مشروطیت قانون انجمن های ایالتی و ولایتی بود. که با کوشش و امرا ر آذربایجانی ها بصوب رسید. موا ۲۹ و ۹۵ تا ۹۳ متمم قانون اساسی وظایف انجمن های ایالتی و ولایتی را مشخص میکرد. ماده ۲۹ متمم قانون اساسی میگوید: "مناقص مخصوصه را بابت ولایت و بلوک به تصویب انجمن های ایالتی و ولایتی به موجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تصویب میشود. البته قبلاً از تصویب این قوانین تعدادی از این انجمن ها از درون آتش و خون انقلاب مشروطیت بیرون آمدند و فعالیت میکردند از جمله انجمن ایالتی آذربایجان (مجلس ملی آذربایجان) بود که در تاریخ ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ قمری تاسیس و شروع به فعالیت کرد. این انجمن که در ابتدا برای نظارت بر صحت انتخابات با ت دوره اول مجلس شورای ملی بوجود آمد بعد از انتخابات علیرغم میل محمدعلی شاه و بسا رهنمود سازمان سوسیالیال - دمکرات تریز به فعالیت خود ادامه داد. نقش انجمن ایالتی آذربایجان در انقلاب مشروطیت بسیار ارزنده و بی بدیل بود.

انجمن ایالتی در مدت ۱۱ ماه محاصره تریز یگانه محل شور و تمرکز قوای فکری و طرح نقشه های قلابه گوناگون سخن و دستورده به کلیه آذربایجان بود.
مخبرین جراید و دنیا روبه تریز آورده، اخبار ایران را از انجمن های ملی گرفته و به تمام قطار جهان مخابره میکردند. (۲)

سوسیالیال دمکراتهای آذربایجان که در سازمان اجتماع میون - عامیون تریز با "مرکز غیبی" متشکل بودند از طریق ایجا دفرا کمیون در داخل انجمن خط انقلابی را در آن پیش میبردند. شیخ محمدخیا باقی علیرغم جوانیش یکی از نمایندگان سوسیالیال دمکراتها در داخل انجمن بود. انقلاب مشروطیت علیرغم فداکاریها و قهرمانیهای مردم زحمتکش نتوانست حتی هدفهای بورژوازی - دمکراتیک در دستور کارش را حل کند. لذا فتوای لیسیم دست خورده باقی ماند و دستگا حکومتی نیز با کمی بزرگ ظاهری دست خورده باقی ماند. در آذربایجان نیز علیرغم نقش برجسته اش در انقلاب کوچکتر - بین شهری در وضعیت توده های مردم بوجود نیامد.

جنگ اول جهانی و اشغال اراضی کشور از طرف انگلیس، روسیه و عثمانی، تقسیم کشور، مناسبات نفوذ قدرتهای خارجی، خرابی ها و تورم ناشی از آن باعث حرکات تازه ای در شمال کشور گردیدند. ایده های مطرح شده در انقلاب مشروطیت که با پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه را دیگرالتر شده بودند دوباره بشدت مطرح شدند. در آذربایجان که از طرف قشون عثمانی در ۱۹۱۵ اشغال شده بود وضعیت بسیار بدتر بود. در این زمان حزب دمکرات ایران فعالیت خود را گسترش داده و سازمان ایالتی آن در آذربایجان به علت اشکال ارتباطی با مرکز حزب دمکرات آذربایجان را تشکیل داده قیام ۱۶ فروردین ۱۳۲۹ شمسی را سازمان داد. شیخ محمدخیا باقی در توجیه قیام میگوید: "گروضعیت مقدم بر قیام را از نظر مطالبه بگذرانیم، حالت اسفانگیز مملکت و اختلاس بی حد و حصر ما لیه و اقدامات بی ناموسانه و جانیه تنظیمه را در نظر بگیریم لزوم فوری قیام را احساس مینمائیم. (۳) حکومت ملی تحت رهبری شیخ محمدخیا باقی با برنامهمه برانداختن سلطنت و برقرار قرار جمهوری دمکراتیک، نجات کشور از قبضه اسارت خارجی، خودمختاری در آذربایجان و برقراری روابط سیاسی و بازرگانی با کشورهای تشکیل شد. علیرغم قیام های اقدامات، حکومت ملی توسط ارتجاع حاکم در تهران در ۲۲ شهریور همان سال سرکوب شد و رهبر قیام مبداء و مقامات جاننا نه کشته شد. دوران حکومت دیکتاتوری رضا خانی بسرای آذربایجان و کردستان بهر تبار زناقت دیگر ایران بود. در این دوران ستم ملی بر خلقهای غیر فارس بشدت اعمال میشد. اگر تا دیروز کمونیست بزرگان آذربایجان در مدارس تدریس میشد، در این دوره نوشتن و تدریس به زبانهای غیر فارسی محسوب میشد. از بوجه کل کشور سهم آذربایجان خیلی ناچیز بود. علیرغم اینکه آذربایجان در اقتصاد کشور استان مهمی محسوب میشد ولی در برنامهمه های عمرانی و بهداشتی و فرهنگی کشور، آذربایجان جانی نداشت. ارتباط با نوازندگان در روستاها و سرمایه داران و عوامل حکومتی در شهرها فعال مابنا و ما حبان حقیقی مال و جان و ناموس مردم محسوب میشدند. سطره فتوای لیسیم در شهر و دهه‌ها را بر هرگونه پیشرفتی مسدود کرده بود. دهقانان از ظلم و جور ارتباط با نوازندگان دست و پاهای کوهها فرار میکردند و همگامانند حیوانات در آنجا زندگی میکردند. زمانه‌ها را سال بود که در آذربایجان درجا میزد. آخرین لقمه سفره دهقانان را زاندر می ربود و در صورت مقامات کشته میشد. فقط در یکی از سازمانهای روزنامه آذربایجان ارگان فرقه دمکرات آذربایجان (شماره ۵۶ سال ۱۳۲۵) از دهها فقره قتل و غارت و نوازندگان و ارتباط با نوازندگان

دهات مشخص آذربایجان نوشته شده است. در شهر نیز وضع بهتر از دهه‌ها پیش بود، کارگران از ابتدای تریبی حقوق انسانی بی بهره بودند، کسانیکه مثل حاجی ابوالقاسم جوان (۴) میتوا نستند کارگران را بدون ترس از مجازات بکشند، ایده‌ها می‌کشد که در جریان انقلاب مشروطیت بوجود آمده و با قیام غیا با نسی پخته تر شده بودند با نقوط حکومت شور و وحشت رفا خان دوباره، به شدت و این بار را دیگال ترا همیشه مطرح شدند.

ورود متفقین به ایران شرایط نسبتاً دمکراتیکی را بوجود آورد که باعث بوجود آمدن ورشدنیروها و سازمانهای مترقی شد در آذربایجان دهقانان فقیر در روستاها و در شهرها کارگران شروع به تشکیل اتحادیه‌های صنفی نمودند، در چنین شرایطی بود که فرقه دمکرات آذربایجان بوجود آمد. مراجعت نامه‌ای که از طرف رهبران فرقه منتشر شد بسیار آرزوهای زحمتکشان لگدمال شده آذربایجان و ایده‌ها می‌بود که مردم آذربایجان از انقلاب مشروطیت برای شان جنگیده بودند: - تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی - تدریس بزرگان مادری - رشد و گسترش صنایع و تجارت - آبادی شهرها و روستاها - رفرم رازی - مبارزه با بیکاری - تغییر قانون انتخابات کشور به نفع خلق کثیرالعدده آذربایجان - رفرم داری و مالیاتی، اینها بودند اهدافی که در مراجعت نامه فرقه دمکرات آذربایجان اعلام شده بودند. ایده‌ها می‌کشد که تا دیروز مردم آذربایجان تحت فشار و ترور رضا شاه و اجرات ایران از نارضایتی و آزار و مسامحت شدن شرایط برای عملی کردن آن دست به تفنگ می‌بزدند، حکومت ملی آذربایجان از درون توده‌ها و غارت شده و با برهنه آذربایجان جوشیده و شکل گرفته این بار کارگران و دهقانان فقیر آذربایجان موتور محرکه انقلاب بودند، بورژوازی که در انقلاب مشروطیت و قیام خیابانی نقش مؤمن را داشت اینبار به نسبت طبقه کارگر و دهقانان بی زمین و کم زمین نقش کمتری دارد، رویدادهای قبیل از تشکیل حکومت ملی این امر را به خوبی نشان می‌دهد، در این روزها دهقانان بجان آمده و دسته‌های مسلح دفاع از خود تشکیل میدادند، ربا بان را از دست می‌راندند و دست به تقسیم زمین می‌زدند، زاندا رها دیگر اجرات نزدیک به چنین روستاها می‌راندند و شند در شهرها بکار کارگران با نمیتینگها و نمانیسات خودخواهان اصلاحات میشدند، در چنین شرایطی تحت فشار نیروهای مسلح فرقه که از دهقانان و کارگران و پیشه‌وران تشکیل میشد و همکاران ارتش سرخ پادگانهای دولتی یکی بعد از دیگری سقوط کرده و سرتاسر آذربایجان از زیر نفوذ ارتجاع خارج شد، حکومت ملی آذربایجان در طی یکسال حکومت خود به بسیاری از اهداف اعلام شده در بالا می‌عمل پوشانید، بسا تشکیل حکومت ملی (انجمن ایالتی) رفرم رازی در پاره‌ای از روستاها شروع شد، صنایع و تجارت در عرض یکسال شروع به گسترش و رشد نمودند، بیکاری تقریباً از بین رفت، برای اولین بار در ایران حق رای برای زنان اعلام شد، تدریس زبان مادری در مدارس شروع شده و دانشگاه تبریز تاسیس شد، برای

بهبود بهداشت و فرهنگ در روستاها می‌توانستند - آذربایجان قدمهای خیلی جدی برداشته شد، خلاصه اقداماتی انجام پذیرفت که رفا خان در طی دوران حکومت خود یک هزار نفر را برای آذربایجان انجام نداد، حکومت یکساله فرقه دمکرات در آذربایجان خالی از لغزش و اشتباه نبود، مثلاً رفرم رازی را میشد سرعت بیشتری داد، با در رابطه با کارگران میشد بعضی اقدامات را انجام داد، ولی هرگاه طول عمر بسیار کوتاه حکومت ملی و عقبماندگی اقتصادی و اجتماعی آذربایجان از روستاها در نظر بگیریم توقع ما نسبت به اقدامات انجام نشده کمتر میگردد، بهرحال هیچیک از این نقصانها باعث شکست حکومت ملی نبودند چیزی که عده ای آنرا عنوان میکنند، شکست حکومت ملی اساساً ناشی از سیاست خارجی غلط اتحاد شوروی و عقبماندگی جنبش در دیگر نقاط ایران بود، درست است که هم زمان در کردستان ایران جمهوری خودمختار کردستان تاسیس یافته بود ولی در بقیه نقاط ایران بخصوص در جنوب و مرکز ارتجاع بسیار قوی بود.

نقش اتحاد شوروی در شکست حکومت ملی آذربایجان بر میگردد سه روزهای اولیه تشکیل فرقه نیروی اصلی فرقه دمکرات آذربایجان را سازمان ایالتی حزب توده تشکیل میداد، وقتی که تاسیس فرقه دمکرات آذربایجان اعلام شد، سازمان حزب توده در آذربایجان خود را منحل کرده و به فرقه پیوست، اینکار در داخل حزب توده منشاء بحثهای زیادی شد، حتی عده ای گویا علیه اینکار را اعلامیه‌ای تهیه کردند، بهرحال پیوستن سازمان حزب توده زیاده‌دوران انتظار نبود زیرا که این تشکیلات از آذربایجان بود در جریان بی‌این عظمت نمی‌توانست بیطرف بماند، البته اینکه در پیوستن سریع سازمان ایالتی بدون اجازت کمیته مرکزی حزب توده عناصری تعیین کننده بوده اند نمی‌توان تکی داشت، ولی بهرحال حزب توده ظریح ادعاهای این یا آن رهبر یا بخش دارای آن چنان شخصیت مستقلی نبود که مثلاً پیوستن سازمان آذربایجان جلوگیری تواند، خلاصه تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان همانند حزب توده در رابطه نزدیک با اتحاد شوروی و با قول کمکهای لازم انجام پذیرفته بود، در داخل فرقه دمکرات آذربایجان علی‌رغم اینکه عناصری از نظر تعداد کم بودند ولی چون از طرف اتحاد شوروی پشتیبانی میشدند در شرایط حساس میتوا نستند نقش تعیین کننده‌ای داشته باشند، در فرقه دمکرات سه جناح عمل میکردند: جناح اول عناصری بودند که وابسته به سیاستهای استالینستی آن روز اتحاد شوروی بودند، اتحاد شوروی و در راستا استالین میخواست که از مسئله آذربایجان بعنوان عامل فشاری علیه دولت ایران استفاده کند، البته این بدان معنی نیست که از ضمیمه کردن آذربایجان به اتحاد شوروی بدش می‌آمد، ولی همه اینها بسته به عوامل مختلف بود، جناح دوم طرفداران با قرائت دبیرو اول حزب کمونیست آذربایجان شوروی بودند، با قرائت طرفداران راست در حزب کمونیست آذربایجان شوروی معتقد بودند که با ضمیمه آذربایجان ایران به آذربایجان

شوروی جمهوری تازه میتواند در چهار رجب اتحاد شوروی نقش مهمتری بازی کند، جناح سوم انقلابیون صدیقی بودند که همراه مردم زحمتکش آذربایجان برای آینده‌ای بهتر مبارزه میکردند، ناگفته نماند که طرفداران جناح اول و دوم همکاری داشتند، همین جا باید گفت برخلاف نظر کسانیکه مثل اسکندری از رهبران سابق حزب توده که میگوید: "در صورت این مسئله با قرائت، باید بگویم هنوز برای من یک ابهامی است چون من اطلاع داشتم که سفارت شوروی یعنی مقامات شوروی در ایران اطلاعیه‌ای از این موضوع نداشتند و واقعا آنها خیال میکردند بدون اطلاع آنها عملی شده یعنی از طریق وزارت خارجه هم به ایشان اطلاع ندادند، این برای من این توهم را ایجاد میکند که آیا واقعا، این سیاست صدر مدور دنا شید خود استالین قرائت گرفته بود یا نه؟" (۵) جناح اول و دوم از بر نامه‌های همدیگر بخوبی مطلع بوده‌اند، بطوریکه وقتی که دولت شوروی امتیازاتی را که از دولت قوام می‌خواست، بدست آورد از رهبران حکومت ملی درخواست ترک مقام و رفتن به اتحاد شوروی را کرد، علی توده یکی از شرکت کنندگان جنبش آذربایجان که اینک در آذربایجان شوروی زندگی میکنند استفا ده زوجت از موجود در شوروی در شرف پنجه صنعت کارگان اتحادیه نویسندگان آذربایجان به تاریخ ۱۷ جولای ۱۹۸۸ می‌نویسد: "متأسفانه حکومت ملی آذربایجان با بدارتانند، نه در حقیقت اجازت، ادا می‌شود، حیات به آن ندادند، و اگر حکومت ملی برای ادا می‌شود، عرضه و لیاقت لازم را دارد، گفته میشود در روزها می‌گرفتند حکومت ملی آذربایجان حل و فصل میشد پیشه‌وری زود به زود به این طرف (آذربایجان شوروی) می‌آمد و با کسان معینی دیدار و ملاقات افکار میکرد، زیرا که هر روزی احتمال هجوم زهران به آذربایجان جنوبی می‌رفت، پشت سر زهران و واشنگتن، لندن، پاریس، ما در پیورما ایستاده بودند، از جمله کسانیکه پیشه‌وری با آنها ملاقات میکرد با قرائت بود، در روزهای آخر با قرائت از پیشه‌وری خواسته بود که در مقابل قشون شاه مقامت نکنند و سلاح بر زمین بگذارند، پیشه‌وری راضی نمی‌شد، با قرائت عصبانی شده می‌گوید: آخر تکیه شما به چه کسی است؟ پیشه‌وری با غرور می‌گوید: پشتیبان ما خلقهای ایران است... بدین ترتیب سرنوشت حکومت ملی آذربایجان رقم زده شد، اکثریت زحمتکشان و فعالین فرقه دمکرات و حکومت ملی خواهان مقامت در برابر ارتش شاه بودند، نیروهای انقلاب دارای روحیه بسیا ربالائی بودند و در داخل دولت ملی نیز اختلاف شدیدی وجود داشت، عوامل با قرائتی که ما مورث خود را با یافته میشدند طبق دستور، خواهان مقامت و رفتن به آذربایجان شوروی بودند، بهرحال عقب نشینی فاجعه‌بار معروف صورت گرفت، مردم آذربایجان بدون اسلحه و کمک، علی‌رغم قولها و قرائت‌ها و حرفهای زده شده تنها و بدون بارگذاشته شدند، هزاران نفر از فعالین و هواداران حکومت ملی در سرتاسر آذربایجان قتل عام شدند، نیروهای دمکراتیک چنان در صفحه ۱۲

از صفحه ۱۱ کمونیست ها و جنبش ۲۱ آذر آذربایجان

شکستی را متحمل شدند که مهر و نشان خود را بر سرای همیشه در مبارزه مردم آذربایجان باقی گذارد ، کادرها و فعالین فرقه و حکومت ملی که به آذربایجان شوروی فرار کردند سرنوشت بهتری پیدا نکردند . عده ی زیادی از عناصر صادق به رهبری پیشه وری هنوز در فکر بازگشت و مبارزه بودند و این با سیاست های دولت شوروی در تضاد بود . لذا ابتدا پیشه وری به دستور باقراف و همکاران عده ای از عواملش مثل غلام یحیی در یک حادثه ساختمانی تصادف اتومبیل زخمی و سپس در بیمارستان کشته شد . سپس دست حکومت آذربایجان شوروی که قبلا کمونیست های از پیشه وری ملاحظه میکرد برای تصفیه و پراکنده کردن نیروهای فرقه دمکرات که مزاحمان بودند سازد . عده ای از آنها به سبیری و جاهای دیگر تبعید شدند و بقیه چنان تحت فشارهای مختلف گذاشته شدند که امروزه بعد از گذشت سالها نمانده و عوض شدن محیط اقتصادی شوروی ، در ترس و وحشت بسر میبرند . معدودی نیز از این نمذگلاهی نصیبشان شد و از این راه صاحب منام و منصب و نان و آب شدند .

امروزه وقتی که کمونیستهای ایران از دوره قضا یا ۲۵ - ۱۳۲۴ نگاه میکنند میتوانوا نند به ترس و قضاوت کنند . تشکیل فرقه دمکرات آذربایجان در شرایط انقلابی و مساعد ۱۳۲۴ دستاوردهای انقلابی مردم آذربایجان بود . فرقه دمکرات آذربایجان جبهه ای از نیروهای مختلف با ظرفیت انقلابی بود که رشد و گسترش سریع آن و روی آوردی میلیون مردم بسوی شعارهای پیش نشان دهنده واقعی بودن جنبش بود . اینک انقلابیون آن روزی آذربایجان به قیام و وعده های اتحاد شوروی با او برگردند در آن زمان کما ملا طبیعی بوده است . استفاده از کمات اتحاد شوروی در تشکیل حکومت شوروی عملی انترناسیونال نیستی محسوب میشد . درجهان آن روزی اتحاد شوروی کعبه آمل کمونیستها محسوب میشد و به ممداتی مثل "هرچه ز دوست رسد نیکوست" عملال اتحاد شوروی صرف نظرا ز درستی و نادرستی آن مورد نائید کمونیستها قرار میگرفت . کادرهای فرقه دمکرات آذربایجان (۶) که اکثر کمونیست بودند درجهان رچوب تفکر کمینترنی و برداشت کمینترنی از انترناسیونالیسم پرولتری قدم در راه تشکیل فرقه و حکومت ملی آذربایجان گذاردند . اینک اتحاد شوروی در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ مردم آذربایجان و حکومت ملی را تنها گذارد اینک عوامل وابسته به حکومت شوروی عمل فرقه دمکرات و قشون ملی را خلع سلاح نموده و از مقامی جدی در مقابل ارتش شاه جلوگیری و حتی خرابکاری میکردند . اینک دولت شوروی با گرفتن امتیازاتی از دولت ایران مردم آذربایجان را با مشتاقی حرف تو خالی تسلیم ننگنه قشون دولتی کرد (۷) همه و همه نمی توانند حرکت مردم آذربایجان و حکومت ملی برخاسته از آن را زیر سر علامت سوال ببرند . سهم دولت اتحاد شوروی در تنها گذاردن مردم آذربایجان بسیار جدی و تعیین کننده بود . ولی از طرف دیگر برداشت کمونیستهای مثل

پیشه وری از کمات انترناسیونالیستی و دنیا لکتیک منافع ملی و انترناسیونالیستی غلط و یکجانبه بود . دردی که هنوز چپ ایران از آن رنج میرد این موضوع را خود پیشه وری در صحبت خود در هم انسی با باقراف در آذربایجان بخوبی ترسیم کرده است . پیشه وری در جواب باقراف که یکی از دلایل شکست نهضت آذربایجان را رابطه ضعیف آن با حکومت آذربایجان شوروی عنوان نموده بود میگوید که بنظر او برعکس یکی از دلایل شکست رابطه ضعیف جنبش آذربایجان با خلقهای دیگر ایران بوده است . علی توده در شریه مذکور می نویسد : "گفته میشود که سید جعفر پیشه وری چند روزی قبل از مرگش در جلسه شوروی کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در رابطه با مسئله آذربایجان ایران با یک ژنرال (۸) مباحثه میکرد است . بقدری به هیجان آمده بود که از سر جای بلند شد و با دلایل محکمی غلط بودن فکر ژنرال را ثابت کرد . در این زمان باقراف عصبانی شده و با بی حرمتی به پیشه وری گفته است : مردک سر جایت بشین ! سپس عینکش را از چشمش در آورده و با دستمال پاک کرده است . گویا با این حرکت به پاک کردن پیشه وری از روی زمین اشاره کرده است ."

در باره سید جعفر پیشه وری و نقش و مسئولیت او در شکست و هزیمت حکومت ملی بدون فاکت های لازم صحبت کردن آسان نیست . اگر روزی از طرف حکومت اتحاد شوروی و آذربایجان شوروی آرشیه های مربوط به تشکیل و فعالیت فرقه و حکومت ملی منتشر شود راحت می توان این کار را انجام داد . اینک بنا به گفته بعضی ها پیشه وری از ترس جان به اتحاد شوروی فرار کرده است غلط است زیرا زندگی سراسر مبارزه او در حزب عدالت و کمونیست ایران ، با زده سال زندان و تبعید رضا خانی و پایداری او بنا به تائید افراد مختلفی با جهان بینی های متفصوات نشان میدهد که او کسی نبود که در کوران مبارزه به فکر جان خویش باشد . از طرف دیگر پیشه وری شخصیت مستقلی بود که با تیب هائی مثل غلام یحیی قابل مقایسه نیست . پیشه وری کمونیست با سواد و آموخته ای بود که در مکتب حزب کمونیست ایران پرورده و پخته شده بود . او که از رهبران حزب کمونیست ایران بود بحق شایسته تر از هر کسی برای رهبری قیام مردم آذربایجان بود زیرا برخاسته از میان این خلق و وفادار به آلهای آن بود . اینک پیشه وری به اتحاد شوروی و حرفها و قول و قرارهای حکومت شوروی اعتماد کرد قابل قبول است . ولی اینک سید جعفر پیشه وری که سالها در آرزوی در زندان ارتجاع نشسته و کتاب خا طرات زندان نشان دهنده آگاهی او از توحش ارتجاع است ، به صرف قول و قرارهای اتحاد شوروی و قوام السلطنه و طیفه رهبری جنبش را انجام میداد و مردم آذربایجان را به امید حرفهای بدون پشتوانه "فرصت مناسبتی گذاشته قابل توجیه نیست . هزاران نفری که بعد از حمله ارتش در آذربایجان کشته شدند و همچنین خود پیشه وری اگر در یک نبرد - هر چند با نتیجه شکست - رویا روی با رژیم شاه زمین

میرفتند جنبش را حداقل از نظر حیثیتی در آذربایجان خلع سلاح نمی کرد . شکستی که فرقه دمکرات آذربایجان را با آن پایه توده ای عظیمش بسرای همیشه از صحنه آذربایجان ایران پاک کرده و پیروزی مردم آذربایجان را در راه خود مختاری و سعادت عمومی سالها در آرزوی عقب انداخت . قیام مردم آذربایجان علیرغم همه اینها قیام مردم زحمت کشی بود که بر علیه فئودالیسم ، بورژوازی و شوینیسم فارس انجام پذیرفت .

اینکه چه سو استفاده ها نشی از طرف این ویا آن دولت و حکومت از این قیام انجام گرفت از اهمیت عظمت و حقانیت آن کم نمی کند . از تجربه خلقت آذربایجان کمونیستهای ایران و بخصوص خلقهای دیگر غیر فارس ایران با بدبیا موزند ، آنگرامی داشته و از حقانیت آن دفاع کنند .

" آذربایجان نسلی "

۱۹۸۸ / ۱۱ / ۲۷

- ۱) قیزیل صحیفه لر چاپ ۱۳۵۴
- ۲) ظهرا ده بهزاد - قیام آذربایجان - ص ۴۸
- ۳) حسین مکی - تاریخ بیست ساله ایران جلد اول - ص ۲۲
- ۴) حاجی ابوالقاسم جوان سرما پیدار معروف تبریز و صاحب کارخانجات متعدد ، مرتجع و شاهپور مشهور که در حیطه خانهاش و باشکند داشت و صاحب زندان خصوصی بود ، کارگزارانی که فساد سندیکا شای محسوب میشدند از طرف عوامل او دستگیر و در خانهاش شکنجه میشدند ، کم نیستند سندیکا لیست های قدیمی تبریزی که اثرات شلاق او را بر پیشانی دارند . مشهور بود که یکی از کارگران قالیبافی را از او زیر لگد در پای دار قالیبافی کشته است .
- ۵) خاطرات سیاسی ایرج اسکندری - جلد دوم ص ۱۰۴
- ۶) غرض کسانی است که از روی صداقت و برای آمل مردم آذربایجان ، بهبودی وضعیت اسفناک مردم و اصلاحات اجتماعی در تشکیل فرقه شرکت داشتند که کسی نه با ما موریت خاصی از طرف حکومت شوروی وارد فرقه شدند .
- ۷) مهم این نیست که قوام چه تضمینهای دادده بسود ما هیت ارتجاع و وحشی گری آن برای دولت شوروی نمی توانست روشن نباشد .
- ۸) گویا ژنرال مزبور غلام یحیی یکی از عوامل باقراف در داخل فرقه دمکرات آذربایجان بوده است .

با
پیام کارگر
همکاری کنید
و برای آن بنویسید!

افغانستان پس از خروج نیروهای شوروی

درگیریهای خشن درون این حزب، شورش در ارتش، قیام در شهرها و فرا رسته جمعی رهبران و اعضاء حزب را پیشگوشی میکنند، سناریوی سقوط این رژیم راههای متنوعی را برای این سقوط پیشنهاد میکند و حتی این سقوط زمانبندی نیز میشود. با راهی دیگر یک جنگ داخلی طولانی و خونین را پیش بینی میکنند که با درگیریهای داخلی در میان مجاهدین و بنا به برای این کشتاری سجانیه همراه بوده و احتمالاً در انتهای آن نوعی آشتی بین طرفین صورت خواهد گرفت. پیش بینی دیگری تقسیم افغانستان به دو دولت شمالی و جنوبی و تداوم جنگ بصورت جنگ شمال و جنوب را محتمل تر میداند و طرحهای احتمالی شوروی را در قبال چنین وضعیتی نیز حدس میزند. اما صرف نظر از اینکه کدام یک از این پیش بینیها واقع بینانه باشد، مروری بر تحولات جاری در افغانستان خالی از فایده نیست.

به قدرت رسیدن دکتر نجیب الله بعنوان رهبر حزب دمکراتیک خلق افغانستان و رئیس جمهور این کشور بمعنای پایان یافتن ویادقیقتاً فرعی شدن سیاستی است که در سه سال آخر حکومت ببرک کارمل دنبال شده بود. این سیاست که هم اکنون نیز بعنوان اقداماتی تکمیلی در کنار سیاست جدید بکار برده میشود چه مشخصاتی داشت و چه راههای سیاست جدید رهبری شوروی و افغانستان در دهه ۷۰ و ۸۰ مشخصه سیاست ببرک کارمل این بود که به لحاظ امنیت داخلی و سیاست نظامی بجای درگیریهای پراکنده و تلاش برای آزادی مناطق روستایی و اطراف شهرها، تلاشی در مجموع ناموفق - این هدف را دنبال میکرد که تعادل نظامی را از طریق ازکار انداختن برتریهای نظامی - استراتژیک مجاهدین به زیان آنها به هم بزند. این برتریها نه به علت خلعت چریکی و رزمندگی مجاهدین که ما را بخاطر برخورداری آنها از حفاظت و پشت جبهه استراتژی در پاکستان و ایران بود که به آنها امکان استفاده وسیع از مرزها برای بازاری تسلیحاتی و پرسنلی خود را داده و در عمل سیاست آزادی مناطق را که از سوی دولت ارتش شوروی دنبال میشد خنثی مینمود. در این راستا بود که دولت افغانستان و ارتش شوروی اقدام به مین گذاری - های وسیع در مرزها و تله گذاری در مناطق مرزی برتر در نمود و با استفاده از نیروی هوایی قدرتمند خود پس از مدتی موفق شدند که تنگناهای نظامی قابل ملاحظه ای را به مجاهدین تحمیل کرده و مناطق بسیاری را آزاد و تقریباً امن کنند. شکستهای مجاهدین در منطقه در پنجشنبه هم اکنون نیز یکی از پرتحرک ترین کانونهای نظامی آنهاست، نشان دهنده پیروزی نسبی - و البته زودگذر - سیاست فوق بود. دومین مشخصه این سیاست استفاده از تسویه مسلح کردن قبائل طرفدار دولت و با ملحق نمودن این قبائل به نیروهای دفاع مرزی و منطقه ای بود که خاصه در راه بطنه مرز پاکستان نسبتاً موفق بود تا جایی که در مواردی ارتش پاکستان مجبور به دخالت

و خلق ملاح قبائل طرفدار دولت شد. در کنار این اقدامات بود که سیاست آشتی ملی ابتدا بعنوان طرحی برای ائتلاف با سران قبائل مطرح شده و سپس از مدتی بعنوان تاکتیک اصلی بکار گرفته شد. این تغییر تاکتیک ناشی از آن بود که سیاست فوق مستلزم گشادن درگیری به مرزها و حتی به داخل پاکستان بود و دولتهای افغانستان و شوروی هیچکدام میلی جدی به چنین اقداماتی نداشتند. در عین حال علت بنیانی این تغییر سیاست آن بود که به علت حضور نیروهای شوروی امکان تبدیل به پیروزیهای نظامی به سیاسی و تقویت پایبندی اجتماعی دولت و در نتیجه با ایدار ماندن موفقیت های نظامی بسیار ناچیز بودند.

این نتیجه گیری ما را در فهم علت انتخاب سیاست خروج از افغانستان و آشتی ملی در این کشور باری میدهد (صرف نظر از اینکه ما چه موضعی در قبال این اقدامات داشته باشیم). با اعلام سیاست خروج از افغانستان و امضای موافقت نامه ژنوا، دولت افغانستان به مدت ده ماه اقداماتی را برای مقابله سیاسی و نظامی با اوضاع سعاد زخروج سرپا زان شوروی انجام داد. از نظر نظامی، سیاست کنترل شهرها و جاهای استراتژیک، ساختن استحکامات و کمربندهای نظامی و تدارک برای یک جنگ دراز مدت اتخاذ شد که در ماههای اخیر با دریافت ما زویبرگ نظامی مدرن از شوروی شدت یافت. به لحاظ سیاسی، آشتی ملی مستلزم فاصله گیری آشکار از بسیاری از دستاوردهای ده سال اخیر بود. معلق کردن رفواری - بجز در ۲ استان شمالی که دولت هیچگاه به حضور نظامی شوروی نیاز جدی نداشته و با به اجتماعی قابل ملاحظه ای دارد - سازش در قبال احساسات مذهبی مردم و مسلمانان، اتحاد با بسیاری از سرکردگان محلی ضد انقلاب و سپردن اداره امور مناطق به آنها که به معنی پس گرفتن بسیاری از اصلاحات مترقی سالهای اخیر بود را باید از مهمترین رثوس این سیاست به لحاظ داخلی دانست. به لحاظ بین المللی اقداماتی مثل تعرض دیپلماتیک به مجاهدین و طرح سیاست دولت ائتلافی افشای نقض عهد از سوی پاکستان و آمریکا در کنار تلاش برای رسیدن به تفاهم با غرب در باره ضرورت یک دولت غیر متعهد و معرفی با شرکت کمونیستها فعلاً در دنبال شدند.

اما نتایج تاکنونی سیاست آشتی ملی در داخل کدامند؟ به لحاظ داخلی این سیاست تنها موفق به جلب نیروهای ناچیزی از اپوزیسیون لیبرال و بورژوازی که قبلاً نیز قانع بودند شده و با راهی از شخصتهای این اپوزیسیون در دولت شرکت داده شدند. در حالی که آشتی با مجاهدین و فرماندهان محلی آنها پیشرفت چندانی نکرده و توافقهای موقدی نیز غالباً از سوی طرف مقابل نقض شدند و بنا بر این تاکنون دولت افغانستان نتوانسته است حتی یک مورد آشتی مهم را نیز به فرجام برساند. تسلط برای نزدیکی با ظاهرشاه و طرفداران داود خان

که هدف اصلی بودند نیز تاکنون بجای نرسیده و این در وضعیتی است که مجاهدین تلاش گسترده ای را برای نزدیکی با یکدیگر آغاز کرده اند. توافق اولیسه هفت گروه مجاهد مستقر در پاکستان با هشت گروه شیعه دست نشانده ایران برای تشکیل شورایی که در آن شخصتهای مسلمان نیز شرکت داده شده اند را باید از مهمترین موارد نزدیکی ضد انقلاب در افغانستان بحساب آورد. شورای چندمدتفره مزبور با تشکیل دولت به نخست وزیری احمدشاه و ریاست جمهوری محمدنبی محمدی و فعلاً بدون شرکت گروههای شیعه طرفدار ایران، رسماً اعلام موجودیت کرده و هدف فعلی خود را تسخیر شهر جلال آباد در شرق کابل قرار داده است. در نبردهای روزهای اخیر گروههای سهای سرهم بندی شده مجاهدین تلاش زیادی برای محاصره شهرهای مهم و از جمله کابل انجام داده اند که با شکستهای سنگینی که در هرات و قندهار رونیز در اطراف جلال آباد کابل محتمل شده اند، احتمالاً فصل بهار رختوانند به لحاظ نظامی حرکات مهمی انجام دهند.

سیاست آشتی ملی اما اکنون پس از خروج نیروهای شوروی از افغانستان میتواند شیرات مثبت و منفی متعددی داشته باشد. از نظر افکار عمومی بین المللی بویژه پس از خودداری صریح جرج بوش رئیس جمهور آمریکا از قطع کمکهای نظامی به مجاهدین و تداوم سیاست ارتجاعی پاکستان در قبال مسئله افغانستان، دولت دکتر نجیب الله در وضعیت بهتری قرار گرفته است. در سبب برای شکستهای این سیاست به لحاظ داخلی اما میتواند مهم ترین تاثیر مثبت آن باشد که گسترش رهبری حزب که اخیراً انجام گرفته و احتمالاً به معنی نزدیکی بیشتر گرایشات درون حزب است. برکساری هفت وزیر غیر حزبی از کابینه و صلح شدن اعضای حزب را باید نقطه شروع فاش آمدن برتر نزلات وسیع در صفوف حزب که به خروج بارهای از اعضاء آن از کشور منجر شده بود، بحساب آورد. موفقیتهای نظامی اخیر، در کنار رسمیت نظامی و اعلام حالت فوق العاده در کشور نشان میدهند که رهبری حزب بر آن است که در صورت عدم حصول توافق با مجاهدین به مقابله نظامی و سیاسی فعال و به بیان دیگر اتخاذ سیاست جنگ داخلی روی آورد. اگر این آرزوایی شتابزده و خوش بینانه نباشد، آنرا باید به حساب این گذاشت که حزب دمکراتیک خلق افغانستان میتواند زحمت های خود در گذشته درس گرفته و فعلاً لانه برای شکستن بن بست فعلی به نفع خود بپیکار کند. براساسی نیز به جزاین راهی در مقابل این حزب وجود ندارد. اکنون با خروج نیروهای شوروی، شده های وسیع سردم افغانستان این فرصت را میبندد که در مورد جنگ داخلی جاری و اهداف نیروهای هر یک از دو جبهه اصلی این جنگ اتخاذ موضع کنند. مقاومت سنگر به سنگر در مقابل تنها جمل میربا لیزم و ارتجاع، تنها راه حل انقلابی ممکن و به نفع توده های فریب خورده و قربانی شده خلق افغانستان است که در ۶ سال گذشته - از زمان تلاشهای امان الله برای متحول

اخبار خارجی

آلمان فدرال

● ناظران سیاسی سفر آقای بیکروزیرخا رجه آمریکا به اروپا را در مجموع بدون نتیجه ارزیابی کرده اند. علت این ارزیابی این است که هدف اصلی سفر آقای بیکروزیرخا این بود که متحدین اروپائی آمریکا را راضی کند تا به طرح این کشور راجع به مدرنیزه کردن موشکهای با برد کوتاه کردن بگذارند. بیشترین مقاومت در این مورد از سوی دولت محافظه کار آلمان فدرال صورت گرفت که به دلایل داخلی حاضر نیست به تصمیم گیری در این مورد قبل از سال ۱۹۹۱ تن بدهد. وزیرخارجه آمریکا در دیدارهای خود با گنشر و کهل (وزیرخارجه و صدراعظم آلمان) نتوانست آنها را راضی کند که طرح آمریکا را بپذیرند. این ناکامی منبب خانم تاجرنخست وزیر انگلستان نیز شد که در دیدار روزهایش از آلمان فدرال نتوانست همتای آلمانی خود را قانع کند که از نظر نظامی غرب به مدرنیزه کردن موشکهای برد کوتاه هنیاز دارد. اگر آلمان فدرال که بیشتر موشکهای فعلی را در خاک خود جا میدهد از این روست که تعرض دیپلماتیک کشورهای سوسیالیستی در مورد کاهش تسلیحات موجب شده است که افکار عمومی آلمان فدرال با هرگونه اقدام در جهت افزایش شنج با سوء ظن و عدم تأیید مقابله کرده و چنین مقابله ای میتواند دولت آلمان را که هم اکنون نیز در وضعیت با ثباتی قرار دارد، بیشتر از پیش در تنگنا قرار دهد.

آمریکا

● کمیسیون دفاع کنگره آمریکا پیشنهاد دولت بوش در مورد انتخاب جرج تا ورنستا جورجیو ریخواه سابق بعنوان وزیر دفاع این کشور را رد کرد. علت امتناع کمیسیون فوق که احتمالاً در کنگره نیز مورد پشتیبانی قرار خواهد گرفت این بود که آقای تا ورنست با ابتلا به انگلیسم و گرایش به بی بند و باری و روابط گسترده با زنان مختلف ملاحظیات مسئولیتها حتی کوچکتر را نیز ندارد و قرار دادن فردی با خصویات فوق در رأس پنتاگون میتواند عواقب پیش بینی نشده ای داشته باشد. جرج بوش رئیس جمهور آمریکا پس از شنیدن این خبر در ژاپن گفت که وی تلاش خواهد نمود تا کنگره آمریکا صلاحیت آقای تا ورنستا را رد کند و او را انتخاب وی را به تمویب برساند.

آندونزی

● مذاکرات فی مابین کامبوج، کشورهای عضو آسه آن و نیروهای اپوزیسیون کامبوجی بجز سرخ بدون هیچ نتیجه روشنی به پایان رسید. این شکست غیر پیش بینی شده بعلمت دوری قابل ملاحظه مواضع طرفین و علیرغم این امیدواری بود که حصول توافق در آندونزی بطور قطعی صورت خواهد گرفت. مذاکرات فوق قرار است که در آینده ادامه یابند.

چین

● جرج بوش در پایان سفر خود به ژاپن که برای شرکت در مراسم تدفین امپراتوری سابق ژاپن صورت گرفته بود برای یک دیدار چند روزه به چین سفر نمود. وی در این دیدار با مقامات عالی رتبه جمهوری خلق چین و از جمله دنگ سیا شوپینگ دیدار و مذاکره میکند. در این مذاکرات دو موضوع مهم مورد علاقه طرفین مطرح هستند که عبارتند از روابط اقتصادی دو کشور و مسئله بهبود روابط چین و شوروی. در مورد روابط اقتصادی، چین معتقد است که آمریکا همچنان به اعمال محدودیت در روابط اقتصادی طرفین و از جمله محدودیت صادرات تکنولوژی به این کشور ادامه میدهد و خواهان رفع این بنیادهاست. آمریکا نیز در مورد روابط اقتصادی و شوروی با این کشور مذاکره کند تا تا شیرت این بهبود در روابط متقابل بسنجد. جرج بوش در ابتدای سفر خود اظهار داشت که آمریکا در اساس از بهبود روابط دو کشور چین و شوروی استقبال کرده و آنرا برخلاف منافع خود نمی شمارد.

تظاهرات و درگیری در وین

زحمتکشان مزاحم شروت مندان!

● شامگاه ۵ شنبه دوم فوریه یکی از میا دیسن بزرگ وین شام درگیری مردم و نیروهای معترض با پلیس بود. همه ساله در چنین روزی بنام سبست OPERN BALI درای بزرگ وین مجلس رقاصه شامانی مجلی برگزار میشود که در آن تظاهرات شروت مندان، مقامات حکومتی و "برجستگان" شرکت دارند. برای بزرگ وین که هزینه هنگفت آن از جیب زحمتکشان تا مین و در آمد آن به کیسه توانگران سرا زیر میشود همه ساله شاهد تظاهرات اعتراض آمیز میباشی بوده، لیکن امسال این تظاهرات کشته عمدتاً بصورت غیرقانونی برگزار شد بخشونت کشیده شد و به زخمی شدن بیش از پنجاه نفر از جمله خبرنگاران و دستگیری دهها نفر دیگر منجر گردید. در این تظاهرات علاوه بر نیروهای تیرش نیروهای مترقی خارجی از جمله ایرانی شرکت داشتند و به بخش اعلامیه مبارزت کردند.

برلین غربی

افشای انتخابات

● روز ۲۸ ژانویه سال جاری میلادی یعنی درست یکروز پیش از برگزاری انتخابات برلین غربی تظاهرات بزرگی که با شرکت دانشجویان دانشگاههای برلین و دانش آموزان و کمیته "بی-سرپنا" آن زمان یافته بود بصورت کارناوال انجام گرفت. مضمون این کارناوال سیاسی، افشای انتخابات و چهره های سرشناس حزب حاکم برلین غربی، شهردار و رئیس سنا بود. تظاهرات کنندگان پیشاپیش نسبت به رشد نیروهای فاشیستی (نشو-نازیست ها) اعلام خطر کردند. جمعیت تظاهرات کنندگان حدوده هزار نفر و محل برگزاری خیا با نهایی مرکزی شهر بود.

افغانستان

پس از خروج نیروهای شوروی

کردن جا مع سنتی عقب مانده افغانستان به این سو - غالباً در کنار دشمنان خود، فئودالیسم و مذهب قرار داشته اند. این مقاومت است که میتواند - همانطور که سرنوشت رقت انگیز کنش در نیکا را گوشت نشان داد، ترفندهای امپریالیستی و طرحهای "جنگهای کم شدت" منطقه ای وی را خنثی کرده و بهین بست بکشاند، حتی برای رسیدن به آشتی ملی در افغانستان - آنطور که دولت این کشور طرح میکند - نیز راهی بجز مقاومت و جنگیدن با همه امکانات و تحمیل این "آشتی" وجود ندارد و اگر نه دولت مستقل و بیطرف در افغانستان، خواب و خیالی بیش نخواهد بود.

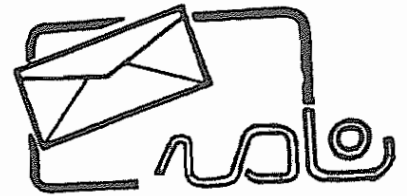
ما بدون اینکه ذره ای از انتقادات خود نسبت به روند تکانی انقلاب افغانستان - تبعیت حزب از دولت شوروی، اقدامات و سیاستهای ذهنی و چپ روانه، سازگار ریهای غیر اصولی و مسلمان نمائی ها، شیوه های نادرست مبارزه درون حزبی و مهمتر از همه فقدان سیاست روشن برای شرکت دادن شده ها در انقلاب و تکیه به آنها - و نیز خطای فاجعه بار در دخالت نظامی شوروی - کوتاه هیبا شیم و در عین تاکید بر این انتقادات، تا جایی که حزب دموکراتیک خلق افغانستان به مقاومت جدی در مقابل فدا انقلاب بپردازد از آن حمایت کرده و با آن ابراز همبستگی می کنیم.

جشن ۴۳مین سالگرد

جمهوری خودمختار کردستان ایران

روز ۲۸ ژانویه "آری، هندان" ۴۳مین سالگرد اعلام موجودیت جمهوری خودمختار کردستان به ریاست قهرمان ملی شهید قاضی محمد، از سوی فعالین حزب دمکرات کردستان ایران - (رهبری انقلابی)، جشن باشکوهی در استکھلم برگزار کردند. این جشن با استقبال عموم کردهای مقیم استکھلم مواج گردید. رفقای ما نیز ضمن شرکت فعال در این مراسم از سوی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - واحداً استکھلم با انتشار اعلامیه ای ۲ روزه بندها را به حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی) تبریک گفتند.

منتشر شده است:
بولتن مباحثات طرح برنامه
شماره ۱



رفیق عزیز "ن"

نا مه شما را در یافت کردیم، از برخورد فعال و مثبت شما با مباحث مطروحه در ستون "پیام کارگر" بسیار متشکریم، نظر شما در مورد محسنات و خصوصیات ستون آزاد مورد تأیید ماست و امیدواریم که بتوانیم با همکاری و شرکت گسترده همه آنانی که بمنفعه انقلاب، دموکراسی و سوسیالیسم تلاش میکنند به اهداف ستون آزاد پیام کارگر دست پیدا کنیم. در مورد مقاله "ن" دربارها زن و خانوادها مندرج در ستون آزاد نشریه شما ره ۲۱، با بدیهه اطلاع شما بر ما نیم که قصد ما به هیچ وجه خاسته دادن به این بحث و یا عکس العمل سریع برای جواب دادن به نویسنده، آنطور که شما در نامه خود متذکر شده اید، نبود. فکرنمی کنیم اعلام موضع ما نسبت به مسئله ای بتواند مانع از ادا مباحث و تبادل نظر در مورد آن شود و چنانکه شما هدیه اید، این بحث با مقاله از جانب ما بردستان ادا مباحث است. ما امیدواریم که شما بتوانید و برخورد فعال با تمامی جوانب کار نشریه به اطلاع آن کمک رسانید.

"کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران" ها ییدلبرگ - آلمان فدرال

نا مه شما به همراه گزارشات اقدامات آن کمیته در جهت دفاع از زندانیان سیاسی ایران را دریافت کردیم. ضمن ابراز پشتیبانی از اینگونه اقدامات، متذکر میشویم که گزارشات شما در موارد مختلف در نشریه استفا شده است.

رفیق عزیز عباس - د: آلمان

نا مه محبت آمیز شما در یافت شد. در مورد پیشنهاد شما مبنی بر ارائه مقالاتی در زمینه های فرهنگی، متذکر میشویم که سعی ما تاکنون بر این بوده که به این نیاز در حد امکان خود پاسخ دهیم. و کارهایی هم در پیما کارگزار شده است. پیشنهاد اخص شما در مورد "زبان شناسی" نیز بجاست و ما دا و طلب شدن شما برای همکاری در این زمینه ها را بقتال نیک میگیریم و منتظر کارهای شما هستیم. امیدواریم که ارتباط خود را با نشریه ای که آنرا متعلق بخود میداند برقرار کنید. آدرسهای مورد نیاز شما برای دریافت کتابهای مورد علاقه -

1- I.U.
P.O. Box 3016
New York, N.Y. 10027
آدرس نشریه کارگر و شکر:
2- Farhang
B.P. 244
92205 Neuilly S,S



کمکهای مالی

مریم کمک به رادیو	۵۰	مارک
د - غ	۵۰	"
هسته ۱۱	۴۴	"
۹۹ - A	۲۰	"
ز - ا	۵۰	"
الف - ج	۵۰	"
هوادران زیگن	۵۸	"
یحیی	۳۰	"
مریم کمک به رادیو	۱۰۰	"
۹۹ - A	۲۰	"
هوادران زیگن	۵۷/۵	"
ز - ا	۵۰	"
یحیی	۱۰	"
تی - الف	۱۰۰	"
آزاده - ۹۹	۲۰	"
ناصر	۱۰۰۰	"
سهیل	۵۰	مارک
بابک	۱۰۰	"
بهنام	۱۰۰	دلار
حسن	۱۰۰	"
احمد	۱۰۰	"
محمد	۱۰۰	"
غ - ر	۵۰	مارک
س - س	۷۰	"
س - ا	۱۰۰	"

نماه سرگشا ده جمعی از مدافعین زندانیان سیاسی ایران توضیح:

جمعی از مدافعین زندانیان سیاسی ایران - نورنبرگ همراه با نامه به پیام کارگر را که گزارشی از فعالیتهایشان در دفاع از زندانیان سیاسی ایران، نامه سرگشا ده ای را که در اعتراض به عدم توجه کشورهای سوسیالیستی به نقض حقوق بشر در

ایران تهیه کرده اند برای ما ارسال داشته اند. ضمن تشکر و محبت از اقدامات این عده از ایرانیان مقیم نورنبرگ، بخشهایی از نامه سرگشا ده آنها را در این شماره می آوریم.

نزدیک به ده سال از حیات سنگین یکی از جنایتکارترین حکومتهای طول تاریخ میگذرد. این رژیم از بدو پیدایش خود به کم نظیرترین شکل ممکن ابتدائی ترین حقوق انسانیها را زیر پا گذاشته است. نکاهی کوتاه به پیشینه جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر، از جمله کمیسیون سوم مجمع عمومی سازمان ملل که مسر مربوط به نقض حقوق بشر را پیگیری میکنند نشان میدهد که این رژیم هر ساله بمناسبت روز جهانی حقوق بشر در ردیف کشورهای نظیر شیلی و آفریقای جنوبی محکوم شده است. در این میان بهر حال هر ساله و بسا کمال تا سفاک ها دسکوت و بی تفاوتی اکثر کشورهای سوسیالیستی بودیم. کاربی تفاوتی به آنجا کشیده شده که امسال نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی و

جمهوری خلق چین برای روبرو شدن با این واقعیت اما سا در این رای گیری شرکت نکردند. در حالیکه انتظار مردم ایران این بود که این کشورها نه تنها جمهوری اسلامی را محکوم کرده بلکه خود را نیز محکوم و پیشنها دهندگان این قطعنامه باشند.

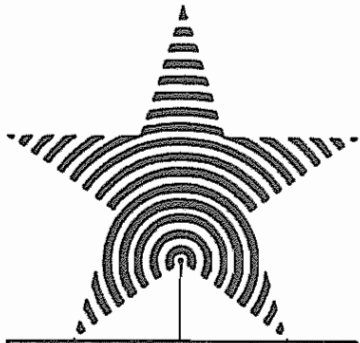
بدون تردید دولت اتحاد شوروی درقبال این موضع گیری مسئول و در برابر ملت ایران پاسخگو میباشد.

آنچه در این میان برای ما قابل تعجب است برخورد محافظه کارانه و متزلزل این کشورها بسا مساله حقوق بشر در ایران است. ما جمعی از ایرانیان مدافع زندانیان سیاسی ایران - نورنبرگ از دولتهای سوسیالیستی خواهانیم که با تحت فشار قرار دادن رژیم جمهوری اسلامی ایران برای قطع کشتار زندانیان سیاسی و آزاد کردن باقیمانده

تصحیح و پوزش در مقاله مندرج در صفحه ۸ پیام کارگر شماره ۳۶ برخی اشتباهات تایپی وجود دارد که ضمن پوزش بدین صورت تصحیح میشود. ستون دوم سطر ۱۴ بجای "بیخبران" بیخیزان صحیح است. سطر ۱۶ بجای "پروسته" بروسته صحیح است. و در ستون سوم سطر ۳۲ در ترکیب "شکنجه گاهای زمان" کلمه زمان اضافی است.

آنها و رعایت ابتدائی ترین موازین حقوق بشر در ایران به خواست واقعی مردم ایران پاسخ دهند. جمعی از مدافعین زندانیان سیاسی ایران - نورنبرگ

با کمک های مالی خود سازمان را در امر مبارزه انقلابی یاری رسانید



صدای کارگر

راه پستی سازمان کارگران انقلابی ایران - پلاک ۱۹۱

برنامه‌های سرتاسری صدای کارگر:

- ✱ هر روز ساعت ۵ ¼ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر یا ۴ مگا هرتز پخش میگردد.
- ✱ این برنامه ساعت ۸ ¼ همان شب و ساعت ۷ صبح روز بعد مجدداً تکرار میشود.
- ✱ جمعه‌ها برنامه ویژه پخش میگردد.

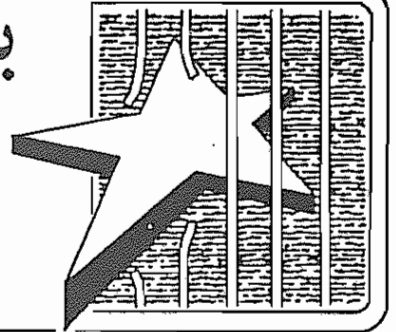
* * *

برنامه‌های صدای کارگر ویژه کردستان:

- ✱ روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر بزبان کردی وفارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متربرابر یا ۴ مگا هرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه‌شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار میگردد.
- ✱ جمعه‌ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه تکرار میگردد.

در صفحه ۸

برای آزادی زندانیان سیاسی متحداً مبارزه کنیم!



استگهلم

تحصن و اعتصاب غذا برای جلوگیری از اخراج ۱۸۰ نفر پناهنده

اجتماعی "تشخیص داده شوند، اخراج خواهند گردید." (نقل از اعلامیه واحد کونستراکسازمان در تاریخ ۸۹/۱/۲۵ که در حمایت از این حرکت منتشر گردید) در پی اجرای طرح فوق ۱۸۰ نفر از پناهندگان که اکثر آنها ایرانی بودند با دریافت حکم اخراج در معرض خطر قرار گرفتند. از این رو "کمیته پناهندگی" سوئد، که تشکلی سراسری از پناهندگان ملیتهای مختلف و از جمله سوئدی‌های دمکرات و مترقی است در اعتراض به قوانین ضد پناهندگی و احکام اخراج از بعد از ظهر جمعه ۲۷ ژانویه در محل کلیسای بزرگ شهر پناهندگان و بشردوستان سازمانهای مترقی را حول ۲ خواست زیر:

۱ - حق پناهندگی برای همه
۲ - لغو قانون ویزا برای افرادی که از کشورهای پناهنده خیز نظیر ایران، شیلی و لبنان به سوئد می آیند، دعوت به یک اعتصاب و تحصن ۴۸ ساعته نمود.

در طی اعتصاب عده ای بسیار زیادی در آن شرکت کرده و از خواسته‌ها حمایت نمودند. در روزهای آتی که قطعاً مه‌اعتصاب و تحصن در محکومیت سیاستهای ضد پناهندگی دولت سوئد در شده و از دولت و اداره مهاجرت تجدیدنظر و لغو احکام اخراج را خواستار گردید. ۶۰۰ نفر در آکسیون حضور داشتند. خبر این حرکت وسیعاً در رسانه‌های خبری محلی و سراسری درج گردید و از تلویزیون مساهبه‌ای با شرکت کنندگان در آکسیون پخش شد.

لندن

اعتراض به قتل عام زندانیان

در مقابل رادیو BBC

بدعت کمیته علیه اعدای سیاسی ایران و کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران، روز سوم فوریه از ساعت ۱۲ الی ۲ در مقابل ساختمان BBC لندن تظاهرات ایستاده‌ای با شرکت تعدادی از ایرانیان مترقی برگزار گردید. مسئولین رادیو بدون هیچ توجیهی به تظاهرات قصد داشتند آنرا با سکوت برگزار کنند، تا اینکه با ورود یکی از تظاهرکنندگان به داخل ساختمان و دادن قطعنامه‌ای اعتراض به سکوت مسئولین رادیو، خبرنگاری را ما مورتهیه رپرتاژ تظاهرات کردند.

"تعرض آشکار و نهان به حق پناهندگی اینک سالهاست که از سوی کشورهای مدعی بشردوستی در اروپای غربی آغاز گشته است. در پی همین تعرض نیز بود که نمایندگان دول اروپای غربی پس از چندین نشست مخفیانه در لوکزا مبورگ و سوئیس دست به تصویب قوانین یکسان ضد پناهندگی و همکاری در این زمینه زده‌اند. بیهوده نیست که امروزه دولت سوئد در دست چند ماه پس از تجربه دولت نروژ قانون ویزای ورود به سوئد را علاوه بر ایرانیان، لبنانی‌ها و غیره، به اتباع شیلیایی نیز تعمیم میدهد. ویسا دولت آلمان غربی به گزارش روزنامه Expressen تصمیم میگیرد تا برای جلوگیری از ورود پناهندگان "مدل سوئد" را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

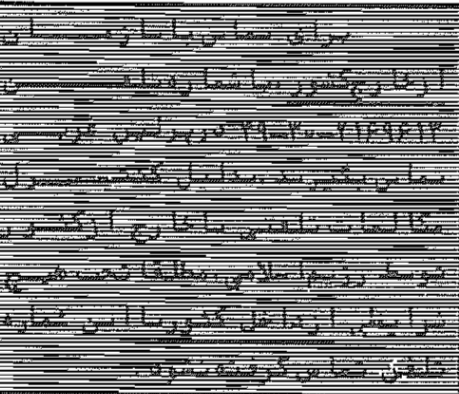
در همین راستا نیز هست که دولت وادامه مهاجرت سوئد چندین طرح و قانون مختلف را در این زمینه تصویب نموده، برخی را به مرحله اجرا در آورده و اجرای برخی دیگر را در آینده نزدیک در دستور کار خود قرار داده است. از جمله طرحهایی که اینک به مرحله اجرا در آمده‌اند، طرحی است که از طرف اداره مهاجرت در تاریخ ۱۹۸۸/۱۲/۲۸ اعلام گردید و تا ظربرجندنگشته زیرا است:

۱ - به تمامی پناهندگانی که تا قبل از اول ژانویه ۱۹۸۸ در سوئد تقاضای پناهندگی کرده‌اند پناهندگی داده میشود.

۲ - این "عفو عمومی" شامل آن دسته از متقاضیان پناهندگی که جواب قطعی رد (مثلاً از طرف دولت) گرفته‌اند، نخواهد شد.

۳ - کماکان آن دسته از متقاضیان مورد قبول قرار میگیرند که علاوه بر دلایل و مدارک کافی برای پناهندگی، برای "امنیت سوئد" خطرناک نباشند، "بزهکار" محسوب نگردند و یا فردی "غیر اجتماعی" تشخیص داده نشوند.

مضمون نکات بر شمرده فوق در نوبتهای بعدی توسط مسئولان اداره مهاجرت بخفا توفیح داده شد و روشن گردید که این عفو عمومی تنها شامل حال ۲۰۰ - ۳۰۰ متقاضی پناهندگی خواهد گردید و ما باقی که جواب ردی شان قطعی شده، و یا برای "امنیت سوئد" خطرناک هستند (یعنی ترجمان همان قانون فاشیستی تروریسم که بر طبق آن فرد متهم حتی حق آگاهی از موازینها و دفاع قانونی از خود در دادگاه را نیز ندارد)، و یا فردی "غیر



ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY